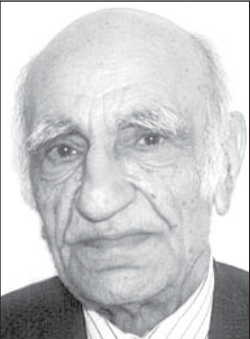


اطلاعات

یاد و یادبود

نگاهی به کتاب شادروان دکتر باستانی پاریزی



دو سه سطرۍ، نه شعر!

دلم می‌خواستست مقدمه‌ای برشعرهایم بنویسم. دیگری بزرگواری و لطف کرد و نوشت. شعری که سالها پیش گفته شده و مربوط به حال و هوای دیگری است، امروز چه دردی از کسی دور تواند کرد؟ متحیر بودم که چگونه کتاب را شروع کنم. دوستی مشکل گشای کار شد و از سوئد ترجمه قطعه‌ای را برایم فرستاد. این مطلب را یاری ناشناخته و نادیده به نام یاروسلاف سی‌فرت برنده جایزه نوبل، درباره

شعرهای خود نوشته است.

«... به میلیون‌ها شعری که در دنیا سروده شده، و من، تنها چند یثی به آن افزودم، چیزی که ششاید در میان هزاره‌ها ترانه و داستان هزارستان، از صدای جبرجیرک با ارزش تر نباشد...

این را من می‌دانم، برایشمن، من به پایان راه نزدیک می‌شوم. شعرهای من، حتی به مانند نخستین گامهای روی کره ماه نبوده، اگر زمانی هم درخشیدن‌داین از روشنائی خود آنها نبود. من این زیان را دوست داشتم، زانجا شعر را، که لاهی بسته را به ارتعاش و می‌دارد. زبانی که لاهی عاشقان را وادار به بوسیدن می‌کند، عاشقانی که آرام و آهسته برکشترزهای سربسزگام می‌نهند. در غروب که کندتر از کاروان راههای جلگه‌های استوایی گام بر می‌دارد. شاعر از آغاز با ما بوده است... به عشق و زورزندی، به سان گرسنگی، همچون طاعون،مثل جنگ، اگر شعرهای من، گاهی، به گونه‌ای نگران کنند،، احوالنه بوده باشد هیچ غدری ندارم. به هر حال جستجو برای یافتن واژه‌های زیبا و کنار هم نهادن آن، لاجرم از شرکت در جنگ، و کشتن و جنایت، باید بهتر بوده باشد»

این حرف کسی است که شعرش برنده جایزه نوبل است.لاید شعر امثال ما، مصداق همان حرف رجل سیاسی معروف است که درباره کتاب شعر یکی از دوستانش گفته بود: «بعضی کتاب‌های اشعار تغزلی مثل غزل‌های سیمونوف فقط در دو نسخه خود باید چاپ شود:یکی برای معشوق، و دیگری، آنکه نزد عاشق باقی خواهد ماند.»۲۰ خوب،حالا می‌ماند تکررها و تعارف‌ها...

مقدمهٔ حمیده و حمید باستانی پاریزی

در سال ۱۳۲۸ مرحوم پدر مجموعه اشعار خود را در کتاب کوچکی به نام «یادبود من» به چاپ رساندند. آن زمان ایشان دانشجو رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران بودند و روانشاد استاد سعید نفیسی مقدمه‌ای بر آن نوشته‌ند که بنا به گفته پدر مشوقی برای نوشتن و سرودن بیشتر ایشان شد. تعداد اشعار چاپ شده در یادبود من ۷۴ قطعه است. این مجموعه مجدداً در سال ۱۳۴۱ با نام یاد و یادبوده در تهران به چاپ رسید که در آن ۱۱۱ شعر چاپ شده و علی‌الظاهر یکی دو شعر از چاپ قبلی حذف شده بود.

در سال ۱۳۴۶، چاپ نفیسی از یاد و یادبود به همت جناب آقای منوچهر حقگو و توسط انتشارات علمی به خط مرحوم

غلامعلی عطارچیان و طرح پشت جلد مرحوم مرتضی میزب به چاپ سوم رسید. این کتاب شامل ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اکنون پس از گذشتست سی سال از چاپ قبلی، چهارمین چاپ یاد و یادبود به همت انتشارات علم و فرهنگ با ۱۱۸ شعر از پدر است. دیگر از اشعار، یا به قول پدر «گناه ایام و فولیت»، از مجموعه حذف شده است.

اشعار: بخش نخست این نوشتار با عنوان «آیین

سیاست در فلسفه اشراق) چهارشنبه پیش به چاپ رسید. اینک بخش دوم و دنباله سخن.

از دیدگاه «آیین سیاسی اشراقی»، حاکم حکیم یا رئیس مدینه می‌باید «صاحب کرامات» باشد تا اهل مدینه با دیدن کرامات وی از وی فرمان برند؛ چنان‌که در حیاکال‌انور نیز آمده است. «و باید که نفوس متألها و پاکان طالب گیرد و به واسطه اشراق نور حق تعالی و عنصریات ایشان را مطیع و خاضع گردند به سبب تشبه ایشان با عالم ملکوت. عجب نباید داشت از نفسی که مستشرق و مستغنی گردد به نور حق تعالی و آنگاه اکوان را طاعت دارند؛ همچنان‌که طاعت قدسیان دارند.» مانند این‌گونه مباحث را دربارهٔ مسألهٔ خلافت خدا در زمین و نقش نفوس پاکان و نفوسی که به عقل فعال متصل شده‌اند، در رسالت دیگر نیز می‌بینیم.

باید یادآور شد که میان فصلهای نهایی این کتاب‌ها و نظم و نظم و دهم اشارات و تنبیهات این سبنا شهاب‌تنامی هست. عنوان نظم نه هم اشارات «فی مقامات العارفین» است و عنوان نظم دهم «فی اسرار الآلات». این‌سبنا با عنوان کلامی این دو فصل تفاوت دارد. با جدیدی در فلسفه اسلامی گشود و به مسألهٔ نظری اتصال با عقل فعال نزد فلاسفهٔ قبل از خود حیات تازه‌ای داد و تعبیر سیاسی از چنین مقامی بسیار مهم است. سهروردی هم با بیان همان مطلب، اما به تفصیل بیشتر و تحلیل جدی‌تر و با تأویل آیات قرآنی، به همان تأثیر فلسفی –سیاسی رهنمون می‌شود.این‌سبنا ضمن سخن گفتن از مقاصات عارفان، طبقه زهاد، عابدان و عارفان را از هم جدا می‌کند.اما سهروردی از حکمای متألهٔ تعبیر جامع‌تری می‌کند. وی رئیس مدینه را در هر عصر، «خلیفه‌الله» می‌داند و از بحث صرفا عرفانی این‌سبنا با قرارت می‌گذارد. به زعم سهروردی، حکومت یا ریاست مدینه و تأله می‌تواند با هم در شخصی یگانه ظاهر شوند که همان «خلیفه‌الله» است؛ اما شاید اختلاف اصلی‌تر میان دو فیلسوف در این خلاصهٔ شود که این‌سبنا به دنبال این است که دلایل «طبیعی» خوارق عادات و کرامات را بیان کند، اما سهروردی چنین کارهایی را از تجربهٔ واقعی موضوع ملوک در عالم خیال می‌داند و از نظر تجربه اشراقی تجربه‌ای است واقعی.

سیاسی و حاکم آرمانی، گویاترین گفتار وی در این زمینه است: «عالم وجود هیچ‌گاه از دانش حکمت و دانایی که نمودار و قائم به آن بود و حجت و بیات خدای به نزد او باشد، نهی نباشد و وی همان خلیفه و جانشین خدای پدید می‌شود. بر روی زمین (معروف به این‌شاد) که زمین و آسمان پایدار و استوار است، نیز این چنین خواهد بود. هر گاه اتفاق افتاد که در زمانی حکیمی باشد که هم متوغل در تأله باشد و هم در بحث، او از ریاست تأله می‌باشد و خلیفه و جانشین خدا اوست. و هرگاه چنین اتفاق نیفتد، پس آن کس که متوغل در تأله و متوسط در بحث باشد، ریاست کامله خواهد داشت و هرگاه چنین اتفاق نیفتد پس ریاست تامه از آن حکیمی باشد که متوغل در تأله است. خالی نبود و وی شایسته‌تر است به ریاست از حکیمی که تنها متوغل در بحث است. و چون روشنفرد واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی پس نورانی و درخشان بود و هر گاه جهان از تدبیر الهی تهی ماند، ظلمت‌ها و تاریکی‌ها چیره شوند.»

سهروردی و شاهان

پادشاهانی که سهروردی با ایشان همنشین بوده، گذشته از **ملک ظاهر**،هزارهٔ فرزند سلطان صلاح‌الدین ایوبی – چند نفر بوده‌اند: یکی امیر سلاجقی، **علاءالدین کبچاق** که گویا شاعر سهروردی بوده و نزد وی فلسفه می‌آموخته و آوازهٔ دانشش به گوش پادشاه رسیده بود، دیگر، سلطان سلیمان سلجوقی که گویا سهروردی «پرتوانمه» را برای وی نگاشته است. سید دیگر، **سلطان محمدالدین ارتق** که از دوستداران و هواداران سرخشت سهروردی بوده و شیخ «الواح عمادی» را به نام وی نوشته است. با توجه به این واقعیت‌که سهروردی با برخی از پادشاهان سلجوقی که اهل فلسفه بوده‌اند مانند سهروردی بوده، این نوی‌توان در این زمینه‌ها، فلسفهٔ سیاسی یافت؟ و آیا این مقدمه‌ها هشداري دربارهٔ آیین سیاسی وی برای دیگران نبوده است؟ وی به پادشاهان می‌گوید که اگر می‌خواهید حاکم درست باشید و زمان حکومت‌تان نورانی باشد، باید به علم و به‌ویژه تأله بپردازید و مرا به عنوان معلم‌تان پذیرد، همان‌گونه که ارسطو حکمتش را در اختیار اسکندر جوان گذاشته بود، من هم حکمت را در اختیار شما می‌گذارم. سهروردی چنان‌که حدت وی است، به نمونهٔ شاهان کهن ایرانی نیز اشاره می‌کند. پادشاهانی که به واسطهٔ داشتن «فرقهٔ کبابی» یا «اعتبار فرامزویی» می‌کرده‌اند و کسب حکمت عیبی بکس نرفته، نکتهٔ مهم دیگری که از گفتار سهروردی برمی‌آید این است که سیاست می‌تواند بر حکمت یک فرد استوار باشد و چنین فردی حکیم متألّهی است که می‌تواند قاطب باشد یا امام مدینه‌ای فاضله و همچون شاهان کهن دارای قدرت فرایزی و سیاست می‌باید بر دانش و حکمت او استوار باشند. و بر قدرت و نیروی می‌ماند؛ وی که در دیگران به چشم می‌بینند. اهر که (یا هر شاهی که) حکمت بآلند و بر سیاست و تفهید این‌ها مایل نباشند، می‌تواند «فرقهٔ کبابی» بدهند «فرقهٔ نورانی» بنشیند و بارق الهی او را کسوت عیلم و بهاء بپوشاند و زینش طبیعی عالم را و او از آن حاکم عادل نصرت رسد و سخن او در عالم علوی مسموع باشد، و خواب و الهام او به کمال رسد».

بنابر این هر زمان که حکیم پادشاهی کند، آن دوران نورانی خواهد بود و کسی که از اخلاق سرفراز و زین صاحب کرامات و زوای صاف‌دانه نباشد، می‌تواند ریاست مدینه را در دست گیرد. آیا سهروردی با چنین پیامی آشکارا نمی‌گوید که شاهزاده‌ای مانند ظاهر – فرزند صلاح‌الدین – که برخواجهد به عدالت فرامزویی کند و رئیس طبیعی عالم می‌شود، باید نزد حکیمی چون سهروردی شاکردی که از علم او بی‌بهره گیرد تا صاحب معرفت و حکمت شود؟ این علم می‌توان گفت آیین سیاسی اشراقی، یعنی حکمت در خدمت حکومت؛ و هیبت و شایسته‌اش را می‌تواند باقی بماند. این علم تأله‌ای است که حکمت هسته و از علم اتوار الهی آگاه شده و به فرقهٔ کبابی دست یافته، صاحب کرامات شده و در نتیجه می‌تواند از نور حق در راه گسترش خیر و عدالت بهره گیرد.

چنان که باز در الواح عمادی می‌گوید: «و چون نفس، ظاهر گردد روشن شود به نور حق تعالی، متنی در تنزیل آمد و گفت **الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور**، از تاریکی جهل به نور معارف... و چون نور الهی سکوت قدسی در ایشان حاصل آید، روشن شود و تأثیر کند بر اجسام و نفوس... و چون با روشنائی بزرگ آشنا شود و بر روشنی قدسی روشن گردد، نفوس از او منفعل شوند و ماده از او متأثر شود، فکر دائم دارد در آیات جبروت، و مشتاق شود به عالم روشن و لطیف شود به عشق نورانی و متصف شود به نیکبختی و به خیر و کرم و عدل، به باق اعلیٰ برود و بر اعداى خویش قاهر گردد و محفوظ باشد و صیتی عظیم او را پدید آید و هیبتی سخت‌تر پدید آید و مرا او را و چون روشن شود به نور حق و قوتی گردد که تأیید حق، ازجملهٔ حزب خدا شود... و برسد به نور تأیید و ظهر، چنان‌که بزرگان ملوک پارسیان رسیدند.

و نظم و نظم و دهم اشارات و تنبیهات این سبنا شهاب‌تنامی هست. عنوان نظم نه هم اشارات «فی مقامات العارفین» است و عنوان نظم دهم «فی اسرار الآلات». این‌سبنا با عنوان کلامی این دو فصل تفاوت دارد. با جدیدی در فلسفه اسلامی گشود و به مسألهٔ نظری اتصال با عقل فعال نزد فلاسفهٔ قبل از خود حیات تازه‌ای داد و تعبیر سیاسی از چنین مقامی بسیار مهم است. سهروردی هم با بیان همان مطلب، اما به تفصیل بیشتر و تحلیل جدی‌تر و با تأویل آیات قرآنی، به همان تأثیر فلسفی –سیاسی رهنمون می‌شود.این‌سبنا ضمن سخن گفتن از مقاصات عارفان، طبقه زهاد، عابدان و عارفان را از هم جدا می‌کند.اما سهروردی از حکمای متألهٔ تعبیر جامع‌تری می‌کند. وی رئیس مدینه را در هر عصر، «خلیفه‌الله» می‌داند و از بحث صرفا عرفانی این‌سبنا با قرارت می‌گذارد. به زعم سهروردی، حکومت یا ریاست مدینه و تأله می‌تواند با هم در شخصی یگانه ظاهر شوند که همان «خلیفه‌الله» است؛ اما شاید اختلاف اصلی‌تر میان دو فیلسوف در این خلاصهٔ شود که این‌سبنا به دنبال این است که دلایل «طبیعی» خوارق عادات و کرامات را بیان کند، اما سهروردی چنین کارهایی را از تجربهٔ واقعی موضوع ملوک در عالم خیال می‌داند و از نظر تجربه اشراقی تجربه‌ای است واقعی.

سیاسی و حاکم آرمانی، گویاترین گفتار وی در این زمینه است: «عالم وجود هیچ‌گاه از دانش حکمت و دانایی که نمودار و قائم به آن بود و حجت و بیات خدای به نزد او باشد، نهی نباشد و وی همان خلیفه و جانشین خدای پدید می‌شود. بر روی زمین (معروف به این‌شاد) که زمین و آسمان پایدار و استوار است، نیز این چنین خواهد بود. هر گاه اتفاق افتاد که در زمانی حکیمی باشد که هم متوغل در تأله باشد و هم در بحث، او از ریاست تأله می‌باشد و خلیفه و جانشین خدا اوست. و هرگاه چنین اتفاق نیفتد، پس آن کس که متوغل در تأله و متوسط در بحث باشد، ریاست کامله خواهد داشت و هرگاه چنین اتفاق نیفتد پس ریاست تامه از آن حکیمی باشد که متوغل در تأله است. خالی نبود و وی شایسته‌تر است به ریاست از حکیمی که تنها متوغل در بحث است. و چون روشنفرد واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی پس نورانی و درخشان بود و هر گاه جهان از تدبیر الهی تهی ماند، ظلمت‌ها و تاریکی‌ها چیره شوند.»



بدین نور و تأیید رسیدند، ملک **افریدون** و آن‌که حکم کرد به عدل و حق قدس و تنظیم ناموس به‌جا آورد به قدر طاقت خویش و ظهر یافت بدان که از روح‌القدس مستکلم گشت و مکمل شد و بر طبق مثال و تجرید و غایت مستقیم در دریافت، آنچه قاصدان راه یابند و باردارن از عالم چون که نفس روشن و قوی گشت از شعاع اتوار حق تعالی به سلطنت کبابی بر نوع خویش حکم کرد و مسلط به قدرت و نصرت و تأیید بر عدو خود. و دوم از ذریت او ملک ظاهر، **کیخسرو** مبارک که نفس و عبودیت را بر پای داشت و از قدس صاحب سخن شد و غیبت با او سخن گفت و نفس او را به عالم اعلیٰ عروج کرد و منتفخ گشت به حکمت حق تعالی و توانی حق تعالی او را پیدا شد و پیش او مغانی «ایگان» دریافت و آن روشنائی است که در نفس قاهر پدید آید که سبب آن گردنها او را خاضع شوند».

در نظام سیاسی – فلسفی سهروردی، «حکیم متأله» شخصی است هم اهل حکمت دوقی و هم حکمت یثی. سهروردی چنین کسی را از «الاخوان تجریده» می‌داند. در ♦♦♦♦♦

می‌توان گفت آیین سیاسی اشراقی، یعنی حکمت در خدمت حکومت؛ و هیبت و شکوه ریاست‌راستین از آن کسی است که حکمت

جسته و از علم اشوار الهی آگاه شده و به فرقهٔ کبابی دست یافته، صاحب کرامات گشته است

اوست. بر نتیجهٔ می‌تواند از نور حق در راه گسترش خیر و عدالت بهره گیرد

♦♦♦♦♦

هر زمان و مکانی ممکن است یافت شوند، چنان‌که به نظر وی **حلاج و الافلاطون** از این گروه از حکما سرحد می‌شوند. افراد این طایفه از حکما را نفوس کامله، احزاب ریاضات، اصحاب سلوک، اصحاب مشاهده، صاحبان امر، اخوان بصیرت، روشن‌روانان، روا‌یگان، اخوان حقیقت و ماسیم می‌داند. این افراد ضمن فیقی دارند که با آن بدون تفکر مبتد در زمان معقولات را درمی‌یابند و از سَر حقیقت آگاه می‌شوند. افراد این طیفه در مقام خاصی قرار دارند که آن را «قلم‌کام» می‌داند. چنین افرادی قدرت خلاقهٔ غیرمعمول می‌تواند از نور حق در راه گسترش خیر و عدالت بهره گیرد.

داند و می‌توانند هر نوع صورتی را که بخواهند، ایجاد کنند و کارهای بی‌مانند کنند. مانند ارفرمتن برابر، طی ارض، غرض نصرت، یا این دلیل افراد این گروه را «صاحب‌الرایا» نامیدند. در رساله‌های اصلی سهروردی به بسیاری از شخصیت‌ها برمی‌خوریم که به زعم وی از این طایفه‌اند، ازجملهٔ حسن بصری، ذوالنون مصری، سهل شوشتری، بایزید بسطامی، ابراهیم ادهم، جنید و شبلی. اینکه سهروردی فلاسفهٔ مشأهٔ مانند فارابی و ابن‌سینا را از این گروه دانسته، از آن جهت است که به زعم وی حکمای مشأه به طور کلی با ارباب مشاهدهٔ خافخاند و مقدمات و احوال نفسانی ایشان را درنمی‌یابند. معقولات بر اصحاب مشاهده از تجربهٔ اشراق وارد می‌شود. ایشان نیازی به اموختگی ندارند و حق مطالبی را بدون مطالعهٔ کتاب درک می‌کنند. در واقع حلس قوی است که این افراد را «خلیفه‌الله فی الارض» می‌کند. افرادی از این گروه بوده‌اند که بر فراز و نشیب‌ها و سختی‌های سلوک جبر شده‌اند، نه‌باید صاحب قدرت می‌شوند و قاهر و صاحب تدبیر و صاحب امر از این‌رو، ریاست معتبر مدینه حق ایشان است و دیگران می‌باید

سیاست در فلسفه اشراق

بخش دوم و پایانی

شادروان دکتر حسین ضیائی تربتی



فرامتربادر ایشان شوند.» از نظر سهروردی، اعتبار سیاسی و بنابرآن قدرت، هیبت، حکم، شوکت، و حکومت حقّه از آن کسی است که کرامات و خوارق وی ظاهر باشد. همان‌طور که آیینا به واسطهٔ معانی و تجرید و غایت مستقیم در دریافت، آنچه قاصدان راه یابند و باردارن از عالم چون که نفس روشن و قوی گشت از شعاع اتوار حق تعالی به سلطنت کبابی بر نوع خویش حکم کرد و مسلط به قدرت و نصرت و تأیید بر عدو خود. و دوم از ذریت او ملک ظاهر، **کیخسرو** مبارک که نفس و عبودیت را بر پای داشت و از قدس صاحب سخن شد و غیبت با او سخن گفت و نفس او را به عالم اعلیٰ عروج کرد و منتفخ گشت به حکمت حق تعالی و توانی حق تعالی او را پیدا شد و پیش او مغانی «ایگان» دریافت و آن روشنائی است که در نفس قاهر پدید آید که سبب آن گردنها او را خاضع شوند».

در نظام سیاسی – فلسفی سهروردی، «حکیم متأله» شخصی است هم اهل حکمت دوقی و هم حکمت یثی. سهروردی چنین کسی را از «الاخوان تجریده» می‌داند. در ♦♦♦♦♦

می‌توان گفت آیین سیاسی اشراقی، یعنی حکمت در خدمت حکومت؛ و هیبت و شکوه ریاست‌راستین از آن کسی است که حکمت

جسته و از علم اشوار الهی آگاه شده و به فرقهٔ کبابی دست یافته، صاحب کرامات گشته است

اوست. بر نتیجهٔ می‌تواند از نور حق در راه گسترش خیر و عدالت بهره گیرد

♦♦♦♦♦

هر زمان و مکانی ممکن است یافت شوند، چنان‌که به نظر وی **حلاج و الافلاطون** از این گروه از حکما سرحد می‌شوند. افراد این طایفه از حکما را نفوس کامله، احزاب ریاضات، اصحاب سلوک، اصحاب مشاهده، صاحبان امر، اخوان بصیرت، روشن‌روانان، روا‌یگان، اخوان حقیقت و ماسیم می‌داند. این افراد ضمن فیقی دارند که با آن بدون تفکر مبتد در زمان معقولات را درمی‌یابند و از سَر حقیقت آگاه می‌شوند. افراد این طیفه در مقام خاصی قرار دارند که آن را «قلم‌کام» می‌داند. چنین افرادی قدرت خلاقهٔ غیرمعمول می‌تواند از نور حق در راه گسترش خیر و عدالت بهره گیرد.

اینکه مردم و به‌تبع ناشارن به آن علاقه ندارند، امروز کنار گذاشته شده است. البته استثنائهای امر از هر ارباب با پارال هم در جریان رسمی وجود داشت. این توافق نیمهٔ با حکومت تلاش داشتند و می‌توانستند آثاری آزادتر تولید کنند. اما آثارشان جنبهٔ بیابانشناسی دردمندی نباشد. نویسنده‌گان بزرگسالی بودند که چون ناشری پیدا نمی‌کردند، ناچار به ادبیات کودک روی آوردند. کارل کسین بود که به عنوان ویراستار ارشد کار می‌کرد و خوش نشی توانستند آثارش را منتشر کنند. بنابراین کتاب‌هایش بیشتر در تبعید و در مونیخ منتشر شده‌اند. با انقلاب ۱۹۸۹ و فروپاشی کمونیسم، بعد از پنجاه سال ادبیات آزاد شده؛ اما پس از آن دیگر نمی‌توانستیم نویسنده‌ها را در قالب تسلهای معین با چارچوب‌های زمانی مقیدبندی کنیم. بعد از فروپاشی، نویسنده‌ها به قدری زیاد شدند که چارچوب‌های زمانی یا سبک‌های نوشتاری از بین رفت.

گروه دوم متعلق به نسل ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۰ هستند. معرفت‌ترین شخصیت این نسل هاوول بود که به ریاست جمهوری مردم رسید. گروه سوم که از کارشان جلگویی می‌شد، نسل ۱۹۶۰ هستند که به دلیل اخلاص کارشان در خدمت شوروی، آسیب زیادی دیدند. کندرا و کلیما در این میان بودند. گروهی هم بودند که هیچ جرئتی نداشتند. نوشتار داشتند. و سرگرم می‌بودند. به نسل جدید نویسنده‌ها.

در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به گشودگی فضای باز کتاب می‌رسیم. رونق در این زمان به بازار کتاب آمد و کیفیت کتاب‌ها بهتر از گذشته شد. در همان دهه ناشارن این نوشتار از متعددی را از هرابل تا شاعران مورد علاقه مردم به چاپ رساندند. ناشارن در فتراتی بودند که هر کس کار چاپ نشده دارد به بازار مراجعه کند. از این زمان عنوان فمینیست هم به عنوان برخی نویسندگان اضافه شد. از ۱۹۹۹ در اینجایاد شد که ادبیات رسمی، ادبیات خانگی معنوم و ادبیات در تبعید. موج با جریان رسمی، معمولاً به خاطر

دربارهٔ این ماجرا تاریخ‌نویسان چیز چندانى روايت نکرده‌اند؛ اما به هر حال می‌توان پرسید که گفتار و رفتار یک جوان به‌ظاهر گوش‌نشین هر قدر هم که از نظر ذهنیاتی فلسفی و کلامی و فقهی گفتاراش گسسته‌خانه باشد، چگونه سبب دخالت شخصی سلطانی سخت گرفتار جنگ شده است؟ می‌توان بر پایهٔ قرینه‌ها حلس زد که ماجرای سهروردی را برای ملک ظاهر خطرناک دانسته‌اند. گفتیم که در این آموزهٔ سیاسی، «حکیم حاکم» نقش اساسی دارد. آیا نمی‌توان گفت که چنین نقشی را برای ملک ظاهر در نظر گرفته بوده و خوشتر از بخشندۀ حکمت در نظام سیاسی نوینی داشته و برنامه‌ای برای ایجاد مدینهٔ فاضله‌ای در نظر داشته که در آن ششاهزدهٔ جوان نقشی چون فریدون که کیخسرو داشته باشد. مدینه‌ای که رئیس آن صاحب کرامات باشد و کارهای خارق‌العادهٔ وی ایجاد هیبت و شوکت و فره کند؟

اما مورخان چه می‌گویند؟ به‌لای‌الدین **ایشاد** قاضی بیت‌المقدس و نگارندهٔ «الزوارالسلطانیة» (زندگانهٔ سبیسار معروف صلاح‌الدین ایوبی) چه بسا نقش بسیار مهم، اما مرمروزی در قتل سهروردی داشته است. وی که در نندیمان سلطان وزیر او و از مقاصد و نتایج سیاسی آموزهٔ فلسفی سهروردی آگاه کند. این‌شاد اهل موصل بوده و مدتها در نظامیۀ بغداد تدریس می‌کرده و در سال ۵۸۴ به خدمت صلاح‌الدین آمده و تا مرگ وی در سال ۵۸۹ از نزدیکترین کسان وی بوده است. و نیز می‌دانیم که در همین سال به سمت مشاور ملک محمد درمی‌آید و مصاحب وی می‌گردد؛ یعنی همان کاری که سهروردی تا زمان مرگش انجام می‌دهد. آیا چنین نیست که این‌شاد خیلی کمتر از آنچه می‌دانسته، در کتاب خود آورده؟ این‌خلکان در اواخر عمر این‌شاد نزد وی رفته و «وفیات الاعیان» یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین منابع زندگانی و قتل سهروردی است. می‌توان گفت‌های این‌شاد را یکی از منابع اصلی این‌خلکان دانست. وی می‌گوید:قاضی حلب، به‌ظاهر ناگهانی (معروف به این‌شاد) که زمین و آسمان پایدار و استوار است، نیز این چنین خواهد بود. هر گاه اتفاق افتاد که در زمانی حکیمی باشد که هم متوغل در تأله باشد و هم در بحث، او از ریاست تأله می‌باشد و خلیفه و جانشین خدا اوست. و هرگاه چنین اتفاق نیفتد، پس آن کس که متوغل در تأله و متوسط در بحث باشد، ریاست کامله خواهد داشت و هرگاه چنین اتفاق نیفتد پس ریاست تامه از آن حکیمی باشد که متوغل در تأله است. خالی نبود و وی شایسته‌تر است به ریاست از حکیمی که تنها متوغل در بحث است. و چون روشنفرد واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی پس نورانی و درخشان بود و هر گاه جهان از تدبیر الهی تهی ماند، ظلمت‌ها و تاریکی‌ها چیره شوند.»

سهروردی بر حکمه‌الاشراق در زمینه حکمت سیاسی و حاکم آرمانی، گویاترین گفتار وی در این زمینه است: «عالم وجود هیچ‌گاه از دانش حکمت و دانایی که نمودار و قائم به آن بود و حجت و بیات خدای به نزد او باشد، نهی نباشد و وی همان خلیفه و جانشین خدای پدید می‌شود. بر روی زمین (معروف به این‌شاد) که زمین و آسمان پایدار و استوار است، نیز این چنین خواهد بود. هر گاه اتفاق افتاد که در زمانی حکیمی باشد که هم متوغل در تأله باشد و هم در بحث، او از ریاست تأله می‌باشد و خلیفه و جانشین خدا اوست. و هرگاه چنین اتفاق نیفتد، پس آن کس که متوغل در تأله و متوسط در بحث باشد، ریاست کامله خواهد داشت و هرگاه چنین اتفاق نیفتد پس ریاست تامه از آن حکیمی باشد که متوغل در تأله است. خالی نبود و وی شایسته‌تر است به ریاست از حکیمی که تنها متوغل در بحث است. و چون روشنفرد واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی پس نورانی و درخشان بود و هر گاه جهان از تدبیر الهی تهی ماند، ظلمت‌ها و تاریکی‌ها چیره شوند.»

پادشاهانی که سهروردی با ایشان همنشین بوده، گذشته از **ملک ظاهر**،هزارهٔ فرزند سلطان صلاح‌الدین ایوبی – چند نفر بوده‌اند: یکی امیر سلاجقی، **علاءالدین کبچاق** که گویا شاعر سهروردی بوده و نزد وی فلسفه می‌آموخته و آوازهٔ دانشش به گوش پادشاه رسیده بود، دیگر، سلطان سلیمان سلجوقی که گویا سهروردی «پرتوانمه» را برای وی نگاشته است. سید دیگر، **سلطان محمدالدین ارتق** که از دوستداران و هواداران سرخشت سهروردی بوده و شیخ «الواح عمادی» را به نام وی نوشته است. با توجه به این واقعیت‌که سهروردی با برخی از پادشاهان سلجوقی که اهل فلسفه بوده‌اند مانند سهروردی بوده، این نوی‌توان در این زمینه‌ها، فلسفهٔ سیاسی یافت؟ و آیا این مقدمه‌ها هشداري دربارهٔ آیین سیاسی وی برای دیگران نبوده است؟ وی به پادشاهان می‌گوید که اگر می‌خواهید حاکم درست باشید و زمان حکومت‌تان نورانی باشد، باید به علم و به‌ویژه تأله بپردازید و مرا به عنوان معلم‌تان پذیرد، همان‌گونه که ارسطو حکمتش را در اختیار اسکندر جوان گذاشته بود، من هم حکمت را در اختیار شما می‌گذارم. سهروردی چنان‌که حدت وی است، به نمونهٔ شاهان کهن ایرانی نیز اشاره می‌کند. پادشاهانی که به واسطهٔ داشتن «فرقهٔ کبابی» یا «اعتبار فرامزویی» می‌کرده‌اند و کسب حکمت عیبی بکس نرفته، نکتهٔ مهم دیگری که از گفتار سهروردی برمی‌آید این است که سیاست می‌تواند بر حکمت یک فرد استوار باشد و چنین فردی حکیم متألّهی است که می‌تواند قاطب باشد یا امام مدینه‌ای فاضله و همچون شاهان کهن دارای قدرت فرایزی و سیاست می‌باید بر دانش و حکمت او استوار باشند. و بر قدرت و نیروی می‌ماند؛ وی که در دیگران به چشم می‌بینند. اهر که (یا هر شاهی که) حکمت بآلند و بر سیاست و تفهید این‌ها مایل نباشند، می‌تواند «فرقهٔ کبابی» بدهند «فرقهٔ نورانی» بنشیند و بارق الهی او را کسوت عیلم و بهاء بپوشاند و زینش طبیعی عالم را و او از آن حاکم عادل نصرت رسد و سخن او در عالم علوی مسموع باشد، و خواب و الهام او به کمال رسد».

بنابر این هر زمان که حکیم پادشاهی کند، آن دوران نورانی خواهد بود و کسی که از اخلاق سرفراز و زین صاحب کرامات و زوای صاف‌دانه نباشد، می‌تواند ریاست مدینه را در دست گیرد. آیا سهروردی با چنین پیامی آشکارا نمی‌گوید که شاهزاده‌ای مانند ظاهر – فرزند صلاح‌الدین – که برخواجهد به عدالت فرامزویی کند و رئیس طبیعی عالم می‌شود، باید نزد حکیمی چون سهروردی شاکردی که از علم او بی‌بهره گیرد تا صاحب معرفت و حکمت شود؟ این علم می‌توان گفت آیین سیاسی اشراقی، یعنی حکمت در خدمت حکومت؛ و هیبت و شایسته‌اش را می‌تواند باقی بماند. این علم تأله‌ای است که حکمت هسته و از علم اتوار الهی آگاه شده و به فرقهٔ کبابی دست یافته، صاحب کرامات شده و در نتیجه می‌تواند از نور حق در راه گسترش خیر و عدالت بهره گیرد.

اینکه مردم و به‌تبع ناشارن به آن علاقه ندارند، امروز کنار گذاشته شده است. البته استثنائهای امر از هر ارباب با پارال هم در جریان رسمی وجود داشت. این توافق نیمهٔ با حکومت تلاش داشتند و می‌توانستند آثاری آزادتر تولید کنند. اما آثارشان جنبهٔ بیابانشناسی دردمندی نباشد. نویسنده‌گان بزرگسالی بودند که چون ناشری پیدا نمی‌کردند، ناچار به ادبیات کودک روی آوردند. کارل کسین بود که به عنوان ویراستار ارشد کار می‌کرد و خوش نشی توانستند آثارش را منتشر کنند. بنابراین کتاب‌هایش بیشتر در تبعید و در مونیخ منتشر شده‌اند. با انقلاب ۱۹۸۹ و فروپاشی کمونیسم، بعد از پنجاه سال ادبیات آزاد شده؛ اما پس از آن دیگر نمی‌توانستیم نویسنده‌ها را در قالب تسلهای معین با چارچوب‌های زمانی مقیدبندی کنیم. بعد از فروپاشی،

عرضه اوراق سلف موازی استاندارد نفت خام سبک

اوراق سلف موازی استاندارد نفت خام سبک داخلی توسط وزارت امور اقتصاد دارایی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران در بازار مشتقه بورس انرژی ایران در نهاد سنفت ۹۷۱ از امروز چهارم بهمن عرضه خواهد شد.

دکتر سیب‌دلی حسینی مدیر عامل بورس انرژی ایران با اعلام این خبر به پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، گفت: مجموعاً یک میلیون و ۷۱۱ هزار و ۸۷۷ قرارداد با هدف تامین مالی فعالیت های دولت عرضه اولیه خواهد شد.

به گفته این مقام مسئول سنفت ۹۷۱ به روش عرضه گسترده با قیمت ثابت به عموم سرمایه‌گذاران عرضه می شود.

وی درباره مراحل عرضه توضیح داد: شروع مرحله عرضه اولیه، رأس ساعت ۹:۳۰ مورخ ۴ بهمن ۹۶ خواهد بود و پس از ثبت سفارشات‌های خرید از سوی کارگزاران، معاملات از ساعت ۱۰ همان روز آغاز خواهد شد و تا معامله کامل قرارداد ها ادامه خواهد داشت.

دکتر سیب‌دلی حسینی افزود: مهلت تسویه در دوره عرضه اولیه و معاملات ثانویه یک روز کاری پس از انجام معامله و تسویه نقدی در سررسید حداکثر پنج روز کاری پس از آخرین روز معاملاتی خواهد بود.

از سوی دیگر مجتهدرضا اسلامیان مدیرعامل شرکت صنایع برق و انرژی صبا، درباره جایگاه بورس انرژی در چرخه صنعت برق گفت: از آنجا که مصرف کنندگان بزرگ برق همیشه برن خود را از دولت خریداری می کردند، در گام اول به دلیل نبود آشنایی با این بازار و مکانشین آن نگران بودند چون اطمینان لازم به بخش خصوصی وجود نداشت.

وی در ادامه توضیح داد: به کمک بورس انرژی و مذاکراتی که با مصرف‌کنندگان بزرگ این چند، توسط صورت پذیرفت، مقامات ها از بین رفت و تولید کنندگان متوجه محسّنات و ویژگی های این شیوه از خرید برق شدند. در بیشتر کشورها بیش از ۸۰ درصد برق تولیدی از طریق قراردادهای توان‌بخر فروخته می شود و اصلاً برق تولیدی به بورس انرژی نمی رسد.

فعال بازار برق تصریح کرد: برق در این طریق به طور مستقیم فروخته می شود بنابراین وقتی مصرف کننده با نرخ های مناسب بر برق را خریداری می کند، هزینه سرکشتش پایین می آید و همین امر زمینه رفق نگرانی مصرف کنندگان بزرگ برق را ایجاد کرد.

وی ادامه داد: علاوه بر محسّنات این شیوه معامله برق برای خریداران، تولیدکنندگان به دلیل اینکه پیشاپیش از میزان فروش خود مطلع هستند و بهای آن را نقدی دریافت می کنند از این قراردادها استقبال کردند.

اسلامیان با بیان اینکه اگر این روند ادامه پیدا کند چشم انداز خوبی برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان بزرگ برق وجود دارد، گفت: کمک وزارت نیرو در این راستا، ایجاد ظرفیت های جدید قابل ارائه به بورس انرژی و رفع برخی محدودیت ها می تواند بسترساز اتفاقات خوبی برای این صنعت باشد.

مدیر عامل شرکت صنایع برق و انرژی صبا، درباره جایگاه بورس در تامین مالی نیروگاه ها گفت: بورس ابرارهای متنوعه برای تامین مالی دارد که تمایل به استفاده از آن وجود دارد. به عنوان مثال یکی از شرکت های هلدینگ صبا وارد بازار پاپه فراپورس شده و شرکت «جنوب غرب صبا» در بورس پذیرفته شده و هم اکنون در انتظار اقدامات عرضه اولیه است.

وی در ادامه افزود: تمایل مالیی از طریق روش های دیگری چون اوراق سلف موازی استاندارد با صندوق های پروژه فعال برای نیروگاه ها مقرون به صرفه نیست چون قیمت تمام شده آن بالاتر نسبت به سایر روش ها حاضر یکی از آخرین گزینه ها برای تامین مالی نیروگاه هاست که باید به کمک بورس انرژی و سازمان بورس راهکارهای برون رفت از این شرایط پیدا شود.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۱۳/۱/۹۶)

مجموع حجم معاملات	۱/۲۶۰ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۹۴۷/۶۱۴ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۶۵/۰۰۱ معامله
ارزش بازار	۳/۹۶۶/۶۲۴ میلیارد ریال

شفاف سازی درباره پیش بینی سود

گروه گسترش نفت و گاز پارسیان در نامه ای اقدام به افشاشی اطلاعات با اهمیت در باره تغییر با اهمیت پیش‌بینی سود هر سهم سال مالی منتهی به پایان شهریور ۹۷ کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، گروه گسترش نفت و گاز پارسیان در نامه ای در مورد تغییر با اهمیت سود خالص پیش بینی کرده است.

بزرگداشت موسسان بازار سرمایه در روز تولد بورس

معاون نظارت بر نهادهای مالی سازمان بورس گفت: بازار سرمایه ایران شفاف است و تا حد زیادی در حال حاضر پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به موتور محرک اقتصاد کشور دارد و شرایط را برای رسیدن به اهداف سال ۱۴۰۴ پیدا کرده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، علی سعیدی در آستانه ۵۰ سالگی بورس بیان کرد: شورای عالی بورس در سال ۱۳۳۵ تشکیل و اولین معامله در ۱۵ بهمن ۱۳۳۶ انجام شد.

وی در ادامه افزود: طرح ایجاد بورس اولین بار در سنال ۱۳۱۲ مطرح و بررسی آن به سال ۱۳۱۵ باز می گردد.

معاون نظارت بر نهادهای مالی سازمان بورس تصریح کرد: در سال ۱۳۲۸ ایران دارای توسعه اقتصادی است و در ابتدا برنامه‌ها هفت ساله بوده است. سعیدی بیان کرد: نظام بازار سرمایه دارای قدمت ۵۰ساله بوده و نشان از بنده قوی در اقتصاد کشور است به طوریکه اولین معامله بورس ایران بر روی تخته سیاه انجام شده است.

این مقام مسئول ادامه داد: همه کارگزاران بازار در مینر معاملاتی از ساعت ۹ تا ۱۰ صبح می نشستند و سفارشات را تبادل می کردند و ساعت ۱۱ تا ۱۲ موقت تعطیلی صورت می گرفت و پس از آن از پیازده مجدداً تا دوازده و فقط در روزهای یکشنبه معاملات انجام می شده است.

وی ادامه داد: در ابتدا اولین قانون تولید بود برنامه هفت ساله بود که توسط مجلس وقت به تصویب رسید و این نظام بازار سرمایه نشان از تجارت ارزشمندى است که توانسته به توسعه خود در بازار دست یابد.

معاون سازمان بورس در توضیح اسامی اولین نهادهای بورس گفت: بانک توسعه صنعتی و معنای و نفست پارس اولین نهادهای معاملاتی بورس بوده اند

و لساهای اول تنها اوراق قرضه معامله شده است. سعیدی ادامه داد: تجربیات زیادی اکنون منجر به شکل گیری نهادهای سرمایه گذاری و ابزارهای متنوع بورسی شده است، این در

حضور

سعیدی از احتمال حضور رئیس مجلس وقت به تصویب سالگی بازار سرمایه خبر داد و گفت: البته به تناسب وضع اجتماعی و سیاسی کشور حضور رئیس جمهوری قطعی می شود البته قرار است که سکه ۵۰۰۰ ریالی بورس هم ضرب شود.

وی در مورد حجم اولیه بازار بورس گفت: در سال ۶۶ تا ۵۷ معادل پانزده میلیارد تومان که هفت میلیارد اوراق قرضه و هشت میلیارد تومان معامله سهام بوده است. معاللات دلار زیاد نبوده است اما در کتاب بازار سرمایه که منتشر شده است، همه آمار و ارقام و اندازه

است.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.

سال ۱۴۰۴ دارد.



یادداشت‌های دکتر «مائاتیر محمد» نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳–۱۹۸۱م) ترجمه: محمد مقدس

در نخستین روزهای حکومت کمونیستی، سخنگویی‌های زیادی روی ایدئولوژی به عمل آمد ولی همانگونه که "دنگ" بارها و بارها می گفت "گریه تا وقتی که به شکار موش بپردازد مهم نیست سیاه باشد یا سفید"، ویژگی او پراگماتیسم و گرایش به اندیشه‌های موفق بود و برایش مهم نبود که اقدامات به لحاظ ایدئولوژیک مناسب باشد یا نه، فقط باید موجب پیشرفت چین می‌شد.
این همان چیزی بود که چین با چشش‌ها و پرش‌های بزرگ خود انجام داد و همه جهانپایان را شگفت زده کرد.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم باید با همسایه خود یعنی چین، همزیستی داشته باشیم. هرگز از سیاست کنترل چین – که از سوی ایالات متحده آمریکا در پیش گرفته شد – خوشم نمی آمد زیرا باعث تنش‌های شدیدی در آسیا شده و هیچ نفعی برای "مالزی" به ارفغان نیاورده است. ما هیچ اهمیتی به حضور ناپولیاقیوس آرام آمریکا در منطقه برای حمایت از ما در برابر آنچه تجاوزات چین خوانده می شود، نمی‌دهیم و من هرگز معتقد نیستم که روزی، چین به ما حمله نظامی‌سی خواهد کرد؛ در نتیجه چه نیازی به نیروی دریایی آمریکا در اینجا وجود دارد؟ چین همواره یک دولت امپراتوری بوده ولی هرگز وارد حملات نظامی برنامه‌ریزی شده و استعمار کشورها – آنگونه که اروپایی‌ها انجام دادند – نشد و بر این اساس تصمیم گرفتیم که ما نباید از "چین" بترسیم بلکه شایسته است باهم دوست باشیم و همسویی‌اش را سایر نقاط جهان را مورد حمایت قرار دهیم.

من روابط خوبی با سران چین و ازجمله "جیانگ زمین" برقرار کردم. حسن نیت "مالزی" و حمایتش را اغلب شهروندان چینی تحصیل کرده، به خوبی می‌شناسند. چین امروزه تبدیل به کارخانه جهان شده و اینک تمامی آن تولیدات را – که به سرعت در جهت همسویی با استانداردهای جهانی در حرکتند – می‌سازد و با اینکه درآمد یکی چینی پایین‌تر از رقم مشابه در "مالزی" است ولی مردم چین، کشورشان را به یک بازار فوق‌العاده بزرگ تبدیل کرده‌اند. "مالزی" بزرگترین شریک تجاری "چین" در جنوب شرق آسیاست و همچنان حجم تجارت ما دائما در حال افزایش است و امیدوارم سیاست خارجی ما هم گشایشی به روی چین باشد. ما نباید در مورد احتمالی مربوط به چین می‌شود وارد تله آمریکا شویم و آن را دشمن احتمالی خود تصور کنیم چون وقتی دولتی را به عنوان دشمن احتمالی تصور کنید مطمئن باشید که آن کشور، شما را دشمن فعلی خود تلقی می‌کند.

ما در کنار "چین"، با دیگر کشورهای وابسته به اردوگاه کمونیسم نیز روابط دیپلماتیک برقرار کردیم. من زمانی که "میکائیل گورباچف" رئیس جمهور "اتحاد شوروی" بود از این کشور بازدید کردم و به عنوان بخشی از این سفر، توقف کوتاهی در "تاشکند" "ازبکستان" داشتم و از "یوگسلاوی" و "رومانی" و "مجارستان" نیز پیش از کنار گذاشتن کمونیسم، بازدید کردم. در شرق نیز از "ویتنام" دیدن کردم و پیش از آن نیز از کره شمالی "زمانی که معاون نخست‌وزیر بودم بازدید کردم و بنابراین آشنایی خوبی با کشورهای کمونیستی داشته و دارم.

از این سفرها[متوجه شدم کشورهای کمونیستی به اندیشه کشورهای سرمایه‌داری، دارای بازارهای آزاد و پیشرفته نیستند. همچنین سبک یکسان و معینی را در ساختنهای شهرهای آنها دیده و مجتمع‌های کارگری چندطبقه در همه جا مانند یکدگرایی بوده. (به شوخی یا جدی؟) من گفته شد که ساکن یکی از این آپارتمانها در "مسکو" به "لینگگرد" (سن پترزبورگ کنونی) سفر کرد و پس از صرف شام، به طور معمول سوار اتوبوس شد و به جایی که گمان می‌کرد آپارتمان خودش است، بازگشت و وقتی به آنجا رسید با یک زن در آن روبرو شد؛ زن هم شگفت‌زده به او گفت که این آپارتمان او نیست و در این هنگام بود که مرر متوجه شد هنوز در "لینگگرد" است و در "مسکو" نیست!

ادامه دارد

قاسم مجبعلی در گفتگویی با دیپلماسی ایرانی بر این باور است که در صورت استمرار رقابت مسکو و واشنگتن بر سر مساله سوریه و تسری گاردی که پوتین و ترامپ در سال ۲۰۱۷ برای هم گرفته‌اند به سال جاری میلادی، می‌تواند نشست‌های ژنو، استانب، و سوچی را تحت الشعاع قرار دهد.

۲۰۱۷ سال تحولات کم سابقه بود. از تاریخ ۶ ساله بحران سوریه بود. از بین رفتن موجودیت نظامی گروه تروریستی داعش و متعاقب آن افزایش مساحت تحت کنترل دولت سوریه همراه با مساحت تحت کنترل نیروهای دموکراتیک کرد در این کشور مهمترین حوادثی تحولات نظامی اما تاثیر چندانی در عرصه سیاسی نداشت. پرونده سوریه همچنان در بخش‌های شمالی و شمال شرق این کشور با احتمال‌های زیادی مواجه است.

جنگ سوریه سال سرنوشت‌ساز و ملموس از تحولات مهم میدانی را در ۲۰۱۷ پشت سر گذاشت، بدون این که این روند تاثیر ملموسی در حل سیاسی بحران سوریه داشته باشد. این موضوع تنها روی تحولات نظامی منطبق نیست، بلکه در تحولات مربوط به توقاف‌ها و آتش بس‌ها و کنفرانس‌ها نیز صدق می‌کنند. در شرایطی که نشست‌های ژنـُـو به خصوص دو دور از ژنو که بیشتر شبیه جلسه‌های دوره ای بوده و حوادث قابل توجهی را رقم نمی زند، نشست‌های استانبول موفق شد تاثیرات ملموسی را ایفا کنند. با وجود ناپایده گرفتن‌های مکرر نتایج این نشست، اما توافق کاهش تنش گام‌هایی را در سمت فروپاشی ملموس حاکمیت داعش و خارج کردن آن از نقشه راه نظامی کشور برداشت.

به این ترتیب پرونده نیروهای دموکراتیک کردو مناطق تحت سلطه آنها را می توان یکی از مهمترین محورهای تنش در سال ۲۰۱۸ بیان کرد. البته این پرونده احتمالاتی زیادی دارد که پیچیدگی آن را افزایش می دهد. تهدیدات مستمر آنکارا مبنی بر استفاده از موضوع خطر کردها برای توسعه دامنه مناطق تحت اشغال این کشور بر عمق و پیچیدگی این بحران اضافه می کند. در مرحله آینده سوریه علاوه بر پرونده کردها می توان به پرونده استان ادلب اشاره کرد. دیپلماسی ایرانی برای بررسی بیشتر تحولات سوریه در سال که گذشت و ارزیابی شرایط بحران در این کشور برای سال جاری میلادی گفت و گویی را با قاسم مجبعلی، سفیر اسبق ایران در مالزی و یونان، رئیس سابق اداره کل خاومپانه وزارت امور خارجه و کارشناس مسائل خاورمیانه و جهان عرب ترتیب داده است که در ادامه

می خوانید:

– **بعد از شکست میلادی در سوریه**
عراق **شاهد تغییر مبارزات از فاز مسلحانه به فاز سیاسی و دیپلماتیکی** هستیم. در این راستا با جدیت **تهران – مسکو – آنکارا** و **نشست‌های سوچی، آناتلیا** برگزار **شد** و **علیرغم برخی تنش‌ها در سال گذشته میلادی نیز نشست ژنو ۸ در دو دور انجام شد.**

حاصل نشود، سوریه دوباره می تواند کانون درگیری‌های و نزاع مسلحانه شود.با بالا گرفتن تلاش‌های دیپلماتیک بعد از شکست داعش رویکرد عربستان –آمریکا–اسرائیل هم تغییر یافته است.

– **در سایه نشست "ریاض ۲"**
عربستان در ایجاد **اتلاف بزرگ اپوزیسیون سوری برای تاثیرگذاری بر نشست ژنو ۸ سعی داشت که**

رخ دهد که احتمال آن در خاورمیانه که هر تقریبا هرامه، هر هفته و شاید هم هر روز شاهد وقوع این دست از حوادث هستیم بتواند تحولات این کشور را تحت الشعاع خود قرار دهد.

در سوریه دسته از بازیگران در سسه سطح حضور دارند. اول، بازیگران بومی و داخلی سوریه مانند دولت دمشق و برخی از گروه‌های معارض سوریه؛ دوم، بازیگران

ریاض از جامعه اهل سنت است این کشور داشته باشد، اما باید این دو را از هم تفکیک کرد. پس با تغییر شرایط میدانی سوریه و تغییر فاز مسلحانه به فاز سیاسی، عربستان هم به اهرم خود یعنی جامعه اهل سنت سوریه روی آورد تسا بتواند با تغییر فاز، نفوذ خود را همچنان در سوریه حفظ کند. از سوی دیگر هم اسرائیل به ریاض نیست. اما با تغییر شرایط و

سیاسی ناکامی‌های خود را جبران کند و با مسائلی مانند برگزاری ریاض ۲، تدوین قانون اساسی جدید در سوریه، نبود فشار اسد در آینده سیاسی این کشور، برگزاری انتخابات و مهمتر از همه تقسیم قدرت در سوریه در ۲۰۱۷ این فاز از مبارزات را پیش برند. البته این به معنای نادیده گرفتن اهمیت و عدم پیگیری جنگ‌های مسلحانه برای ریاض نیست. اما با تغییر شرایط و

نشست سوچی را هم تحت الشعاع قرار دهد. تا بتواند از طریق جبهه اپوزیسیون سوریه به اهداف خود در سوریه برسد .

– **اما این مساله می تواند به یک بن بست سیاسی در سوریه به خصوص این که بعد از شکست ژنو۸ و تحت الشعاع قرار گرفتن نشست سوچی که قرار است تااخر ژانویه سال جاری برگزار شود، این بن بست می تواند**

تجایبد. چرا که هر یک از طرفین به دنبال بیشترین سهم در قدرت هستند. اما لزوما به نابودی کلی سوریه نخواهد شد.

– **ایده شما برای رون رفت از این بن بست چیست؟**
* ایده آل ترین حالت می‌تواند حالت و مدلی شبیهی به عراق و بهتر از آن مدل لبنان باشد. یعنی سیستم طائفه ای لبنان را در سوریه هم پیاده کرد. به عبارت دیگر باید متناسب با نسبت طوایف و اقوام حاضر در سوریه نقش و جایگاه آنان را در نقشه قدرت سیاسی و سهم هر یک را در یک قدرت این کشور مشخص کرد. در غیر این صورت احتمال استمرار وضعیت کنونی و یا حتی پررنگ تر نشدن جنگ‌های مسلحانه در سال جاری وجود دارد.

– **یعنی سوریه هم مانند لبنان باید جنگ‌های خونین داخلی را برای رسیدن به راه حل دیپلماتیکی طی کند؟**

– **اساسا چیزی به نام دولت – ملت در خاورمیانه وجود ندارد، چرا که کشورهای منطقه و به موازات آن جریانات سیاسی و احزاب وابسته به قوم، گروه و طائفه هستند. لذا زمانی که تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی در سوریه هر یک را در یک قدرت این کشورخواه قومی هستند، باید ساختار قدرت را هم بر این مدل پیاده کرد، یعنی دموکراسی بر اساس میزان و تناسب مشارکت تمامی بنابراین اگر چه در کشورهای مانند عراق و لبنان انتخابات برگزار می شود، اما نهایتا مشارکت ریاست جمهوری، نخست وزیری و یا ریاست مجلس در قانون اساسی از قبل به اقوام داده شده است و تنها افراد از این اقوام برای تصدی پست‌ها انتخاب می‌شوند. لذا نه در سوریه که حتی در لبنان و عراق هم مدل "هر یک فرد، یک رای" منقل و آزاد" پیاده نخواهد شد، این هم در سوریه قومی و مذهبی است. چرا که در این کشورها، پس مدل طائفه ای بر اساس تناسب اقوام می تواند نه راصل امدل این که راه حلی واقع‌بینانه برای برون رفت از تنش‌های قومی و مذهبی باشد. البته این مدل باید یک مدل تضمین شده باشد که در صورت خروج برخی از اقوام و مذاهب از ساختار قدرت در سوریه نوعی از پیچیدگی وجود دارد. اکنون در جبهه روسیه و ایران، کشور به دنبال حفظ شرایط موجود هستند اما با توجه به سهم کمتر از ۱۵درصدی علوی‌ها در سوریه، جبهه مقابل با بازیگرانی عربستان به دنبال خروج علوی‌ها از میان قدرت سوریه و کاهش جایگاه آنان در ساختار قدرت سیاسی این کشور هستند.**

در سوی دیگر هم فشاراسد به دنبال حفظ جایگاه خود است و سعی دارد که جایگاهی کم رنگ تر را در قدرت سیاسی به دیگر جمعیت‌های سوریه بدهد. این مساله یقینا به توافق نخواهد منقل و آزاد" پیاده نخواهد شد، این هم در سوریه قومی و مذهبی است. چرا که در این کشورها، پس مدل طائفه ای بر اساس تناسب اقوام می تواند نه راصل امدل این که راه حلی واقع‌بینانه برای برون رفت از تنش‌های قومی و مذهبی باشد. البته این مدل باید یک مدل تضمین شده باشد که در صورت خروج برخی از اقوام و مذاهب از ساختار قدرت در سوریه نوعی از پیچیدگی وجود دارد. اکنون در جبهه روسیه و ایران، کشور به دنبال حفظ شرایط موجود هستند اما با توجه به سهم کمتر از ۱۵درصدی علوی‌ها در سوریه، جبهه مقابل با بازیگرانی عربستان به دنبال خروج علوی‌ها از میان قدرت سوریه و کاهش جایگاه آنان در ساختار قدرت سیاسی این کشور هستند.

ادامه دارد

روابط بین الملل

حاصل نشود، سوریه دوباره می تواند کانون درگیری‌های و نزاع مسلحانه شود.با بالا گرفتن تلاش‌های دیپلماتیک بعد از شکست داعش رویکرد عربستان –آمریکا–اسرائیل هم تغییر یافته است.

– **در سایه نشست "ریاض ۲"**
عربستان در ایجاد **اتلاف بزرگ اپوزیسیون سوری برای تاثیرگذاری بر نشست ژنو ۸ سعی داشت که**

ریاض از جامعه اهل سنت است این کشور داشته باشد، اما باید این دو را از هم تفکیک کرد. پس با تغییر شرایط میدانی سوریه و تغییر فاز مسلحانه به فاز سیاسی، عربستان هم به اهرم خود یعنی جامعه اهل سنت سوریه روی آورد تسا بتواند با تغییر فاز، نفوذ خود را همچنان در سوریه حفظ کند. از سوی دیگر هم اسرائیل به ریاض نیست. اما با تغییر شرایط و

سیاسی ناکامی‌های خود را جبران کند و با مسائلی مانند برگزاری ریاض ۲، تدوین قانون اساسی جدید در سوریه، نبود فشار اسد در آینده سیاسی این کشور، برگزاری انتخابات و مهمتر از همه تقسیم قدرت در سوریه در ۲۰۱۷ این فاز از مبارزات را پیش برند. البته این به معنای نادیده گرفتن اهمیت و عدم پیگیری جنگ‌های مسلحانه برای ریاض نیست. اما با تغییر شرایط و

نشست سوچی را هم تحت الشعاع قرار دهد. تا بتواند از طریق جبهه اپوزیسیون سوریه به اهداف خود در سوریه برسد .

– **ایده شما برای رون رفت از این بن بست چیست؟**
* ایده آل ترین حالت می‌تواند حالت و مدلی شبیهی به عراق و بهتر از آن مدل لبنان باشد. یعنی سیستم طائفه ای لبنان را در سوریه هم پیاده کرد. به عبارت دیگر باید متناسب با نسبت طوایف و اقوام حاضر در سوریه نقش و جایگاه آنان را در نقشه قدرت سیاسی و سهم هر یک را در یک قدرت این کشور مشخص کرد. در غیر این صورت احتمال استمرار وضعیت کنونی و یا حتی پررنگ تر نشدن جنگ‌های مسلحانه در سال جاری وجود دارد.

– **یعنی سوریه هم مانند لبنان باید جنگ‌های خونین داخلی را برای رسیدن به راه حل دیپلماتیکی طی کند؟**

– **اساسا چیزی به نام دولت – ملت در خاورمیانه وجود ندارد، چرا که کشورهای منطقه و به موازات آن جریانات سیاسی و احزاب وابسته به قوم، گروه و طائفه هستند. لذا زمانی که تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی در سوریه هر یک را در یک قدرت این کشورخواه قومی هستند، باید ساختار قدرت را هم بر این مدل پیاده کرد، یعنی دموکراسی بر اساس میزان و تناسب مشارکت تمامی بنابراین اگر چه در کشورهای مانند عراق و لبنان انتخابات برگزار می شود، اما نهایتا مشارکت ریاست جمهوری، نخست وزیری و یا ریاست مجلس در قانون اساسی از قبل به اقوام داده شده است و تنها افراد از این اقوام برای تصدی پست‌ها انتخاب می‌شوند. لذا نه در سوریه که حتی در لبنان و عراق هم مدل "هر یک فرد، یک رای" منقل و آزاد" پیاده نخواهد شد، این هم در سوریه قومی و مذهبی است. چرا که در این کشورها، پس مدل طائفه ای بر اساس تناسب اقوام می تواند نه راصل امدل این که راه حلی واقع‌بینانه برای برون رفت از تنش‌های قومی و مذهبی باشد. البته این مدل باید یک مدل تضمین شده باشد که در صورت خروج برخی از اقوام و مذاهب از ساختار قدرت در سوریه نوعی از پیچیدگی وجود دارد. اکنون در جبهه روسیه و ایران، کشور به دنبال حفظ شرایط موجود هستند اما با توجه به سهم کمتر از ۱۵درصدی علوی‌ها در سوریه، جبهه مقابل با بازیگرانی عربستان به دنبال خروج علوی‌ها از میان قدرت سوریه و کاهش جایگاه آنان در ساختار قدرت سیاسی این کشور هستند.**

باعث نابودی سوریه شود؟

– **باید گفت که بن بستی که شما به آن اشاره دارید وجود دارد در عین حال هم این بن بست بسیار جدی است، چرا که در سیستم سیاسی حال حاضر و بافت قدرت در سوریه نوعی از پیچیدگی وجود دارد. اکنون در جبهه روسیه و ایران، کشور به دنبال حفظ شرایط موجود هستند اما با توجه به سهم کمتر از ۱۵درصدی علوی‌ها در سوریه، جبهه مقابل با بازیگرانی عربستان به دنبال خروج علوی‌ها از میان قدرت سوریه و کاهش جایگاه آنان در ساختار قدرت سیاسی این کشور هستند.**

ادامه دارد

آگهی دعوت

از کلیه سهامداران محترم شرکت راهداران بار سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۶۲۵۶ و شناسانه ملی ۱۰۱۰۱۷۹۴۴۲۳ دعوت می‌شود رأس ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۱۸/۱۱/۹۶ در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت و ساعت ۱۰ صبح همان روز در جلسه تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستورات جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده:

- نقل و انتقال سهام
 - عند الاقتضاء، اصلاح موادی در اساسنامه
- دستورات مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده:**
- انتخاب اعضای هیئت مدیره
 - تعیین بازرسان اصلی و علی‌البدل

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن طلوع فجر (در حال تصفیه) تاریخ انتشار: ۱۳۱۷/۰۴/۹۶

مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن طلوع فجر (در حال تصفیه) در ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۱۷/۱۱/۹۶ در محل همت غرب فروش امید دزبان خیابان چنار بن بلوار آرغان ۱ برگزار می‌شود. از کلیه کسانی که در این تعاونی مالی دارند با ارائه مستندات قانونی دعوت می‌شود شخصاً یا وکالتاً جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

– گزارش هیأت مدیره و بازرسان
– انتخاب اعضای هیأت تصفیه و ناظرین برای مدت دو سال
– چگونگی حضور عضوی در مجمع میسر نمی‌باشد می‌تواند نماینده نام‌الانتخاب از بین اعضا و یا خارج از آن برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید؛ تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر ۳ آراء ی هر شخص غیرعضو تنها یک رای خواهد بود؛ و اعضای متقاضی اعضای نامندگی، می‌بایست به همراه نماینده در مورخ ۱۳۱۷/۱۱/۹۶ به‌نام به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی تهران واقع در خیابان فرنی بعد از خیابان کارک ۱۰۷ طبقه ۳ اتاق ۳۰۸ حاضر تا پس از احرار هیت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع در دریافت دارند.

اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران

آگهی نوبت دوم شرکت قند بیستون سهلی عام در نظر دارد ملک متعلق به خود واقع در؛ تهران، خیابان شریعتی، کوچه پشته یکم، شماره ۴۵ را به همراه یک عدد جرقنیل برجی (تاور گرین) مستقر در آن را به صورت مزایده کتبی به بالاترین قیمت به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند ضمن بازدید از ملک جهت دریافت اسناد و شرایط مزایده یا ارائه فیش واریزی به مبلغ دو میلیون ریال به حساب جاری تاریخ ۱۳۱۷/۰۴/۹۶ تا ۱۳۱۷/۰۴/۲۸ ب‌لک ملت دادوبه به نام شرکت سهلی عام قند بیستون از تاریخ ۱۳۱۷/۰۴/۹۶ لغایت یکشنبه ۱۳۱۸/۱۱/۹۶ ساعت ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر بجز ایام تعطیل به آدرس فوق مراجعه و ضمن دریافت و تکمیل فرم مزایده پیشنهاد خود را مطابق شرایط مزایده همراه با فیش واریزی به مبلغ ده میلیارد ریال به عنوان سپرده خریدار جهت شرکت در مزایده به حساب جاری فوق ارائه نمایند. پیشنهادهای این مزایده رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۳۱۷/۱۱/۹۶ در محل فوق باز خواهد شد. حضور شرکت‌کنندگان در مزایده بلامانع است.

شرکت سهامی عام قند بیستون

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت ابال فولاد شرق بار سیان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۷۰۸۴۱ و شناسانه ملی ۱۴۰۰۴۸۴۳۴۶۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت ابال فولاد شرق پارسیان (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که روز شنبه مورخ ۱۳۱۷/۱۱/۹۶ ساعت ۸ صبح به آدرس تهران، بزرگراه شهید چمران، بل مدیریت، نشن خیابان علامه جنوبی، پلاک ۷، کدپستی ۱۹۹۹۹۱۳۴۴۱ و تلفن ۸۸۵۷۲۵۵۸-۲۱- تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
- سایر موارد

هیأت‌مدیره شرکت ابال فولاد شرق بارسیان (سهامی خاص)

فراخوان

شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی (سهامی عام) در

نظر دارد در راستای اجرای بند ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور و خروج بانکها از بنگاه داری، شرکت های ذیل را از طریق مزایده عمومی واکذار نماید متقاضیان می توانند پیشنهاد خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ به آدرس تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، طبقه پنجم جنوبی، واحد معاونت امور شرکتها تحویل نمایند.

ردیف	نام شرکت	درصد مالکیت
۱	صنعتی و معدنی توسعه ملی	۶۶/۹۹
۲	بین الملل ساختمان و صنعت ملی	۱۰۰
۳	لیزینگ گسترش سرمایه گذاری ملی	۵۰
۴	توسعه کشت و صنعت ملی	۹۷/۰۹
۵	کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان	۳۹/۹۱
۶	خدمات مدیریت سرمایه مدار	۱۰۰
۷	سرمایه گذاری نیروگاهی ایران	۱۴/۹۵
۸	ملی کشت و صنعت و دامپروری پارس	۴۰
۹	ارج	۴۶/۹۶
۱۰	ایران پوپلین	۴۴/۹۹
۱۱	توسعه بین الملل تجارت ملی	۷۲/۵۸
۱۲	مجمعتم تولیدی چینی مقصود	۳۵
۱۳	سیمرغ	۱۴/۶۵
۱۴	تجهیزات مدارس ایران	۳۵
۱۵	آزاد راه تبریز- ارومیه	۴۹/۹۹

شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی (سهامی عام)

روابط بین الملل

حاصل نشود، سوریه دوباره می تواند کانون درگیری‌های و نزاع مسلحانه شود.با بالا گرفتن تلاش‌های دیپلماتیک بعد از شکست داعش رویکرد عربستان –آمریکا–اسرائیل هم تغییر یافته است.

– **در سایه نشست "ریاض ۲"**
عربستان در ایجاد **اتلاف بزرگ اپوزیسیون سوری برای تاثیرگذاری بر نشست ژنو ۸ سعی داشت که**

ریاض از جامعه اهل سنت است این کشور داشته باشد، اما باید این دو را از هم تفکیک کرد. پس با تغییر شرایط میدانی سوریه و تغییر فاز مسلحانه به فاز سیاسی، عربستان هم به اهرم خود یعنی جامعه اهل سنت سوریه روی آورد تسا بتواند با تغییر فاز، نفوذ خود را همچنان در سوریه حفظ کند. از سوی دیگر هم اسرائیل به ریاض نیست. اما با تغییر شرایط و

سیاسی ناکامی‌های خود را جبران کند و با مسائلی مانند برگزاری ریاض ۲، تدوین قانون اساسی جدید در سوریه، نبود فشار اسد در آینده سیاسی این کشور، برگزاری انتخابات و مهمتر از همه تقسیم قدرت در سوریه در ۲۰۱۷ این فاز از مبارزات را پیش برند. البته این به معنای نادیده گرفتن اهمیت و عدم پیگیری جنگ‌های مسلحانه برای ریاض نیست. اما با تغییر شرایط و

نشست سوچی را هم تحت الشعاع قرار دهد. تا بتواند از طریق جبهه اپوزیسیون سوریه به اهداف خود در سوریه برسد .

– **ایده شما برای رون رفت از این بن بست چیست؟**
* ایده آل ترین حالت می‌تواند حالت و مدلی شبیهی به عراق و بهتر از آن مدل لبنان باشد. یعنی سیستم طائفه ای لبنان را در سوریه هم پیاده کرد. به عبارت دیگر باید متناسب با نسبت طوایف و اقوام حاضر در سوریه نقش و جایگاه آنان را در نقشه قدرت سیاسی و سهم هر یک را در یک قدرت این کشور مشخص کرد. در غیر این صورت احتمال استمرار وضعیت کنونی و یا حتی پررنگ تر نشدن جنگ‌های مسلحانه در سال جاری وجود دارد.

– **یعنی سوریه هم مانند لبنان باید جنگ‌های خونین داخلی را برای رسیدن به راه حل دیپلماتیکی طی کند؟**

– **اساسا چیزی به نام دولت – ملت در خاورمیانه وجود ندارد، چرا که کشورهای منطقه و به موازات آن جریانات سیاسی و احزاب وابسته به قوم، گروه و طائفه هستند. لذا زمانی که تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی در سوریه هر یک را در یک قدرت این کشورخواه قومی هستند، باید ساختار قدرت را هم بر این مدل پیاده کرد، یعنی دموکراسی بر اساس میزان و تناسب مشارکت تمامی بنابراین اگر چه در کشورهای مانند عراق و لبنان انتخابات برگزار می شود، اما نهایتا مشارکت ریاست جمهوری، نخست وزیری و یا ریاست مجلس در قانون اساسی از قبل به اقوام داده شده است و تنها افراد از این اقوام برای تصدی پست‌ها انتخاب می‌شوند. لذا نه در سوریه که حتی در لبنان و عراق هم مدل "هر یک فرد، یک رای" منقل و آزاد" پیاده نخواهد شد، این هم در سوریه قومی و مذهبی است. چرا که در این کشورها، پس مدل طائفه ای بر اساس تناسب اقوام می تواند نه راصل امدل این که راه حلی واقع‌بینانه برای برون رفت از تنش‌های قومی و مذهبی باشد. البته این مدل باید یک مدل تضمین شده باشد که در صورت خروج برخی از اقوام و مذاهب از ساختار قدرت در سوریه نوعی از پیچیدگی وجود دارد. اکنون در جبهه روسیه و ایران، کشور به دنبال حفظ شرایط موجود هستند اما با توجه به سهم کمتر از ۱۵درصدی علوی‌ها در سوریه، جبهه مقابل با بازیگرانی عربستان به دنبال خروج علوی‌ها از میان قدرت سوریه و کاهش جایگاه آنان در ساختار قدرت سیاسی این کشور هستند.**

در سوی دیگر هم فشاراسد به دنبال حفظ جایگاه خود است و سعی دارد که جایگاهی کم رنگ تر را در قدرت سیاسی به دیگر جمعیت‌های سوریه بدهد. این مساله یقینا به توافق نخواهد

فراخوان

شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی (سهامی عام) در نظر دارد در راستای اجرای بند ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور و خروج بانکها از بنگاه داری، شرکت های ذیل را از طریق مزایده عمومی واکذار نماید متقاضیان می توانند پیشنهاد خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ به آدرس تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، طبقه پنجم جنوبی، واحد معاونت امور شرکتها تحویل نمایند.

ردیف	نام شرکت	درصد مالکیت
۱	پتروشیمی شازند	۵۲/۰۵
۲	توسعه صنایع پیشهر	۴۳/۳۵
۳	سرمایه گذاری و توسعه صنایع سیمان	۹۲/۷۷
۴	سرمایه گذاری توسعه ملی	۶۴/۱۹
۵	ایران ترانسفو	۳۳/۸۶
۶	گروه صنعتی بارز	۳۳/۲۳
۷	دوده صنعتی پارس	۱۵/۴۸
۸	سرمایه گذاری مسکن	۲/۰۳

شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی (سهامی عام)

فراخوان

شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی (سهامی عام) در نظر دارد در راستای اجرای بند ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور و خروج بانکها از بنگاه داری، شرکت های رد دیونی ذیل را از طریق مزایده عمومی واکذار نماید متقاضیان می توانند پیشنهاد خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ به آدرس تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، خیابان شهید خدای، پلاک ۸۹، طبقه پنجم جنوبی، واحد معاونت امور شرکتها تحویل نمایند.

ردیف	نام شرکت	درصد مالکیت
۱	حمل و نقل داماش ترابری ایرانیان	۱۰۰
۲	حمل و نقل ایمن ترابری آریا	۸۵
۳	آب معدنی داماش گیلان	۱۰۰
۴	معدن شکافان تهران	۸۱/۸
۵	گروه صنعتی نمونه منصور گیلان	۹۱
۶	صنایع غذایی تر چین طبخ ایرانیان	۱۰۰
۷	صنایع غذایی دریاچه گهر لورستان	۹۸/۷۵

شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی(سهامی عام)



آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی (بطور فوق‌العاده) به شماره ثبت ۱۰۸۰۶۰۷۳۰۱۳۲۱ و شناسانه ملی ۱۰۸۰۶۰۷۳۰۱۳۲۱

بدینوسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده و یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی (به‌طور فوق‌العاده) (بن‌شرکت که رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ در محل مرکزهمایش‌های بین المللی نمایش واقع در تهران، سعادت آباد،میدان شهید حسن طهرانی مقدم (کاج)،پشت مسجد جامع الرسول(ص)،کوچه نهم، پلاک ۱۲ برگزار می‌گردد،حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- انتخاب اعضای هیأت مدیره
 - سایر مواردی که به موجب قانون تجارت در صلاحیت مجمع عمومی عادی (به‌طور فوق‌العاده)می باشد.
- لازم به ذکر است برگ ورود به جلسه در محل برگزاری مجمع توزیع می‌گردد. ضمناً کلیه سهامداران حقیقی ملزم به ارائه اصل کارت ملی ویا کارت نامه رسمی معتبر و نمایندگان قانونی سهامداران حقوقی ملزم به ارائه اصل کارت ملی واصل معرفی نامه رسمی می باشند.

هیأت مدیره شرکت پتروشیمی فجر (سهامی عام)

اخبار کوتاه داخلی

تجلیل از علیرضا کریمی در همایش «غزه نماد مقاومت»

در هشتمین همایش غزه نماد مقاومت» از علیرضا کریمی کشتی گیر کشورمان تقدیر شد.
علیرضا کریمی کشتی گیر قهرمانان و فعالان حوزه مقاومت در هشتمین همایش «غزه نماد مقاومت» حضور علی لاریجانی، زهرام مصطفوی و حسین مظفر برگزار شدند. این مراسم از علیرضا کریمی کشتی گیر کشورمان که به باعث اجباری تن داد تا در مقابل حریفی از رژیم صهیونیستی بازی نکند، تقدیر و تجلیل صورت گرفت.همچنین از سایر فعالان در این حوزه هم با ارائه لوحی تجلیل شد.

سهید جهانی هندبال از دست رفت
تیم ملی هندبال ایران در مرحله دوم رقابت های فینال قهرمانی آسیا لابل میزان شکست خورد و شانس حضور در نیمه نهایی در قهرمانی جهان را از دست داد.

به گزارش ایسپنا، ملی پوشان هندبال ایران در دومین دیدار خود از مرحله دوم سری مسابقات قهرمانی آسیا مقابل کره جنوبی میزان به میدان رفتند و با نتیجه ۲۸ بر ۲۵ بازی را واگذار کردند.
تیم ملی هندبال ایران که در دور دوم این رقابت ها با عربستان، کره جنوبی و عمان همگروه است یک با شکست مقابل کره و عربستان از قرار گرفتن در رده اول و دوم گروه یک بازماند و شانس رسیدن به نیمه نهایی و کسب سهمیه مسابقات قهرمانی جهان را از دست داد.
تیم ملی هندبال ایران امروز در سهامه این رقابت‌ها باید در ساعت ۱۱۳۰ در یک بازی تشریفاتی به مصاف عمان برود.

تحقیق و تقصض از ۲ باشگاه پرسپولیس و استقلال
یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس از تصویب تقاضای تحقیق و تقصض از منابع، مصارف و نظام مدیریت دو باشگاه پرسپولیس و استقلال طی ۱۰ سال گذشته در کمیسیون فرهنگی خبر داد.

سیده طایفه هادیانقدر در گفتگو با اینکسپرت: بر اساس مصویه کمیسیون فرهنگی:از دو باشگاه پرسپولیس و استقلال طی ۱۰ سال گذشته در حوزه منابع، مصارف و نظام مدیریت دو رو باشگاه تحقیق و تقصض خواهد شد.نماینده مردم تهران از عضویت ۱۰ نفر از اعضای کمیسیون فرهنگی در هیات تحقیق و تقصض از باشگاههای استقلال و پرسپولیس سخن گفت.

صعود خادان به جدول اصلی تنیس فیوچرز ترکیه
شاهین خادان تنیس بازی ایرانی است که توانست از جدول مقدماتی فیوچرز ترکیه صعود کند.
به گزارش اینکسپرت:تنیس ملی تنیس ایران که برای حضور در مسابقات دیوبیس کاپ گروه دو منطقه آسیا آماده می شود، در مسابقات فیوچرز ترکیه شرکت کرد. ایران در این مسابقات پنج بازیکن داشت که در پایان جدول مقدماتی فقط شاهین خادان توانست راهی جشنهای ایران امروزدر شهر اهواز بر گزار شود.

بازنهای آسیایی محور اصلی جلسات کمیته المپیک
رسیدگی به برنامه های بازیهای آسیایی جاکارتا قرار است از این پس محور اصلی جلسات هیات اجرایی کمیته ملی المپیک باشد.
به گزارش ایسنا، نخستین جلسه هیات اجرایی جدید با صالحی امیری، کمیته ملی المپیک برگزار شد و این جلسه بیشتر معارفه بود و قرار است از جلسات بعدی هیات اجرایی کمیته ملی المپیک، بحث بازی‌های آسیایی در اولویت کاری باشد.

در این جلسه اعضای هیات اجرایی عنوان کردند که با توجه به مشخص نبودن سرپرست کاروان و حتی این که کدام رشته‌ها به صورت قطعی در بازی‌های آسیایی شرکت می‌کنند، بهتر است هر چه زودتر تکلیف برخی از موارد مشخص شود.
از این رو بازی‌های آسیایی جاکارتا محور اصلی جلسات هیات اجرایی کمیته ملی المپیک قرار می‌گیرد.

مصاف استقلال خوزستان و ذوب آهن در لیگ بر تر فوتبال
در نهایت تیم های لیگ برتر باشگاههای ایران امروزدر شهر اهواز بر گزار می شود.

قرار بود از ساعت ۱۵ روز سه شنبه در ورزشگاه غدیر اهواز برگزار شود در نهایت لغو به ساعت ۱۵ امروز موکول شد.
همچنین سازمان لیگ از برگزاری دیدار معوقه فولاد و پیکان در تعطیلی بین هفتههای بیست سوم و بیست و چهارم خبر داد

سرمری تیم ملی والیبال در نشست خبری برنامه های تیم ملی

نشست خبری برنامه های تیم ملی والیبال در تشریح کرد.
به گزارش ایسنا، نشست خبری ایگور کولاکویچ، سرمری تیم ملی والیبال ایران صبح دیروز در هتل اکادمی فوتبال و با حضور اصحاب رسانه برگزار شد.

سرمری تیم ملی والیبال در آغاز نشست گفت: من اظهار نظر خاصی در ابتدا ندارم و خواهمش می کنم دوستان سنولایشان را از من ببرند.
همچنین دو حادنه ناگوار اخیر در ایران را به مردم تسلیت عرض می کنم.
کولاکویچ در باره برنامه های تیم ملی والیبال در سال ۲۰۱۸ و برنامه‌هایش اظهار کرد:نخستین رقابت و آغاز فعالیت ما مصداق با سه اوایل است که باید در یک ملت های والیبال و شرکت کنیم. این رقابت ها بسیار پرفشار است و در طول پنج هفته آن با حسنگی بازیکنان و اختلاف زمانی مواجه خواهیم شد.
نخست به فرانسه می روم سپس به آرژانتین و از آنجا به روسیه خواهیم رفت و بعد راهی آمریکا خواهیم شد. ۱۹ بازی انجام خواهیم داد که سبب حسنگی فرط می شود ولی باید آماندگی لازم را برای هر شرایطی داشته باشیم. برای حضور در لیگ ملت ها دو تیم ملی در ترکیب خواهیم داد ولی هنوز قطعی نیست.

او همچنین گفت:تیم ملی نوجوانان و جوانان فعال فعالیت خاصی ندارند چرا که قرار است با آنها بیشتر کار کنیم تا جوانان در کنار بسا تجربه‌ها با جو تیم ملی و رفتار بازیکنان با سبقه بیشتر آشنا شوند.
سال گذشته اصرار بر این بود که پیش جوانان برای تیم ملی استفاده کنیم اما

تعدد برنامه‌های این رده های سنی سبب شد نتوانیم از آنها بهره ببریم ولی انسال جوانان بیشتر مورد توجه هستند. در اردویی که برگزار می‌کنیم قرار نیست که حتما نفرات اصلی وجود داشته باشد چرا که برنامه فراسیون این است که جوانان بیشتر در کانون توجه قرار بگیرند.

سرمری تیم ملی ادامه داد: در بخش دوم فعالیت‌های امسال قهرمانی جهان را خواهیم داشت که رقابت‌های دشواری است. برای بازی‌های آسیایی که در بین دو نورنشتن مهم برگزار می‌شود برای است به تیم ملی اصلی استراحت بدهیم و تیم ملی با را به بازی‌های آسیایی بفرستیم. ما نیاز به تدارک و آماده سازی مناسب برای قهرمانی جهان داریم و امیدوارم با توجه به شرکت در جام باشگاههای آسیا زمان کافی برای استراحت نفرات اصلی تیم ملی وجود داشته باشد.

عضو تیم ملی تیم ویر گسسالن باید به دور از مصدومیت باشند.
کولاکویچ در ادامه همچنین درباره احتمال بازگشت عادل غلامی پس از حواشی پیش آمده در اردوی تیم ملی در سال گذشته و دعوت از شهرام محمودی،افروخته:تاکنون چندین بسار رانج به عادل غلامی صحبت کرده‌ام. مصوب من رانج به یک بازیکن همیشی و با کیفیت است که در یک لحظه خطوط قرمز را رد کرد و قابل گذشت نبود. من وقتی این تصمیم را گرفتم در قلب خود احساس ناراحتی دارم اما اصول حرفه‌ای به من اجازه نمی داد که از تصمیمم بی‌گرم. یک روز پس از آن اتفاق غلامی با من صحبت کرد و کلاما مواضع حرفه‌ای او را درک کرد. در دور آتی که پیش رو داریم طبیعا دوره محرومیت او

فیفا هزینه کمپ تیم ملی در روسیه را تعیین کرده است

مسعود سلطانی فر، پس از مراسم تجلیل از باشگاههای برتر کشور، درباره سرپرست فدراسیون تیروکمان گفت: سرپرست فدراسیون تیروکمان به زودی به چند روز آینده مشخص خواهد شد.

به گزارش ایسپنا، دیروز پس از مراسم تجلیل از ۳۶ باشگاه برتر کشور، مسعود سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان در حاشیه این مراسم در جمع خبرنگاران درباره وضع سرپرست فدراسیون تیروکمان، اضافه کرد: در چند روز آینده سرپرست فدراسیون تیروکمان مشخص خواهد شد و ما برنامه‌ریزی‌های لازم را داریم تا انتخابات در فدراسیون در دو کوه ترین زمان ممکن هم برگزار شود.

او درباره سمت کومرنت هاشمی در وزارت ورزش و جوانان هم، بیان کرد: صبر کنید، مشخص خواهد شد. وزیر ورزش و جوانان در ادامه

ورزشی

کولاکوویچ: والیبال ایران توان تشکیل ۲ تیم ملی را دارد

به پان رسیده است، ولی چون که گرایش به دعوت از جوانان داریم باید ببینیم در رقابت با جوانان چه می‌پاش یاید.
او ادامه داد: بعد از این که شهرام محمودی از تیم ملی والیبال جدا شد، من از او چیزی ندیدم که قصد بازگشت به تیم ملی والیبال داشته باشد. من چاره‌ای در حرفه‌ای گری ندارم و تلاش می‌کنم



امکانات برای همه ملی‌پوشان یکسان فراهم شود.
کولاکوویچ درباره‌مرخصی‌های طولانی مدت و عدم حضور در جام باشگاه‌های جهان و مشاهده مسابقات از نزدیک، اضافه کرد: اگر بخواهم در این زمینه دقیق بگویم من ۱۴ ژانویه به ایران برگشتم و عملا مرخصی من سه ماه و نیم شد و تا جایی که به محتوای برنامه‌های مربوط می‌شود، تخطی انجام نداده ام و اگر تخلفی هم صورت گرفته بود، کارفرمای من را درک کرد. در دور آتی که پیش فراسیون مفاد قرارداد را پیگیری فقط سه مربی کاشان، کبکد و ساری

می‌کند. درباره جام باشگاه‌های جهان هم باید این را بگویم که من این رقابت‌ها را همانند لیگ ایران زیر نظر داشتم و برای رفتن به لهستان به توج به قراردادم مکلف نبودم. اما تمامی بازی‌های این رقابت‌ها را مشاهده و آنالیز کردم. سرمری تیم ملسی والیبال در پاسخ به این سؤال که در ماه‌هایی که در ایران حضور ندارد، زیر نظر داشتم.

سرمری تیم ملی والیبال درباره این که آیا کادر فنی تیم ملی "ب" برای بازی‌های آسیایی مشخص شده است، خاطر نشان کرد: تشکیل تیم ملی "ب" پیشنهاد من است. فدراسیون والیبال بوده است، اما هنوز این را نمی‌دانم که فدراسیون این تصمیم را پذیرد یا خیر. هنوز هم اسمی برای تیم ملی "ب" مطرح نشده است. او درباره انتخاب احمد ضیایی و عنوان رئیس جدید فدراسیون والیبال، گفت: به محض بازگشت به ایران با ضیایی نشستی داشتم و امیدوارم که یک جلسه دیگر را هم به زودی برگزار کنیم تا از تصمیمات و مواضع او کلاما مطلع شوم.

کولاکوویچ در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره کمبود والیبال ایران برای کسب سکوی المپیک، تصریح کرد: هیچ تضمینی در هیچ جای دنیا برای کسب مدال وجود ندارد. هیچ تیم ملی حتی برزیل هم به ایران بازگشت پیدا نمی‌کند. ما هنوز این را تماشا می‌کنیم و فیلم بازی‌ها برایم ارسال می‌شد و یک تصویر کلی را در ذهن داشتم. اما هنوز این را تشکیل نداده‌ام. توجیه اصلی من اسامال برای شناسایی استعدادهای جدید است. به محض بازگشت به ایران شروع به برگزاری ارتباط با مربیان لیگ برتر کرده‌ام و فقط سه مربی کاشان، کبکد و ساری

اجرای ۱۶۰۰ برنامه برای توسعه ورزش همگانی

معاون توسعه ورزش همگانی و وزارت ورزش و جوانان دیروزاعلام کرد که ایسن معاونت بیش از هزار و ۶۰۰ برنامه برای توسعه ورزش همگانی در ایام ده فجر امسال برگزار خواهد کرد.
به گزارش وزارت ورزش و جوانان، غلامرضا شمعینی بهار به برگزاری مرحله نخست مسابقات ملی کارکنان دولت در هفته تربیت بدنی که در مهر امسال برگزار شد اشاره کرد و گفت: مرحله نهایی این مسابقات، دهه مبارک فجر با حضور دو هزار و ۸۰۰ کارمند در ۶ رشته ورزشی و در ۲۲۸ نقطه سراسر کشور برگزار می‌شود.

معاون وزیر ورزش و جوانان گفت: این عملیات در چهار رشته دارت، طناب زنی، گویبند سبکتبال و رویایی است. در مرحله گروهی هم چهار رشته طناب کشی، دژبال (وسطی)، فریزی و پتانسی هدفمند رقابت می‌کنند و در بومی محلی دو رشته به فراخور بازی های بومی و یک رشته والیبال

فجر دارد.



مراسم تجلیل از خانواده شهدای ساختمان پلاسکو با حضور محمدرحی نجفی شهردار تهران و اعضای شورای شهر شامگاه دوشنبه در باغ محمد فداق مقصد برگزار شد.
شهردار تهران در جمع خانواده شهدای پلاسکو گفت که پیگیر تحت پوشش بنیاد شهید کار گرفتن این خانواده‌ها خواهد بود و همچنین وعده داد تا سوم اسفند جاری که در شهررداری است در قبال خانواده‌های شهدا اجرا و قوانین در این زمینه اصلاح شود.

محمدرحی نجفی ایدام داد: از دست دادن یک فرزند یا هم به فرومندی کسانی که شما داندست داده‌اید. برای ما شخص است، اقوام و بزرگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

کاپوایی را د با بیان اینکه ایزار هنر مهم ترین ایزار برای انتقال هر پیام و فرهنگی است، گفت: تاکنون ۱۰ فیلم سینمایی، ۵ سریال و بیش از ۱۰۰۰ برنامه رادیویی در زمینه ایثار تولید شده و مسابقات فیلمنامه نویسی ایثار صورت برگزار شده است. ما مجموعه اسناد و سوزهای ناسی در اختیار داریم که آمادگی عرضه آنها به هنرمندان را داریم.

سید مرتضی حسینی مدیرکل امور هنری بنیاد شهید و امور ایثار گسران، مدیر گروه تلویزیونی شاهد و دبیر دومین جشنواره ملی فیلم ایثار هم در این نشست در پاسخ به سئوال خبرنگار روزنامه اطلاعات در خصوص داوری آثار

گفت: ۵اور شاخص و مطرح این جشنواره از بین کارگردانان سینما، استادان دانشگاه و مدیران مسئولیت اجتماعی و افرادی که کارهای مستند انجام داده اندانتخاب شده‌اند که البته آن‌ان آن را معرفی نمی‌کنیم.

وی یسایان این که در مقوله داوری، آشنایی با محتوای کار برای ما شاخص است، افزود: آثار برگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

معاون توسعه ورزش همگانی و وزارت ورزش و جوانان دیروزاعلام کرد که ایسن معاونت بیش از هزار و ۶۰۰ برنامه برای توسعه ورزش همگانی در ایام ده فجر امسال برگزار خواهد کرد.
به گزارش وزارت ورزش و جوانان، غلامرضا شمعینی بهار به برگزاری مرحله نخست مسابقات ملی کارکنان دولت در هفته تربیت بدنی که در مهر امسال برگزار شد اشاره کرد و گفت: مرحله نهایی این مسابقات، دهه مبارک فجر با حضور دو هزار و ۸۰۰ کارمند در ۶ رشته ورزشی و در ۲۲۸ نقطه سراسر کشور برگزار می‌شود.

معاون وزیر ورزش و جوانان گفت: این عملیات در چهار رشته دارت، طناب زنی، گویبند سبکتبال و رویایی است. در مرحله گروهی هم چهار رشته طناب کشی، دژبال (وسطی)، فریزی و پتانسی هدفمند رقابت می‌کنند و در بومی محلی دو رشته به فراخور بازی های بومی و یک رشته والیبال

فجر دارد.

مراسم تجلیل از خانواده شهدای ساختمان پلاسکو با حضور محمدرحی نجفی شهردار تهران و اعضای شورای شهر شامگاه دوشنبه در باغ محمد فداق مقصد برگزار شد.

شهردار تهران در جمع خانواده شهدای پلاسکو گفت که پیگیر تحت پوشش بنیاد شهید کار گرفتن این خانواده‌ها خواهد بود و همچنین وعده داد تا سوم اسفند جاری که در شهررداری است در قبال خانواده‌های شهدا اجرا و قوانین در این زمینه اصلاح شود.

محمدرحی نجفی ایدام داد: از دست دادن یک فرزند یا هم به فرومندی کسانی که شما داندست داده‌اید. برای ما شخص است، اقوام و بزرگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

کاپوایی را د با بیان اینکه ایزار هنر مهم ترین ایزار برای انتقال هر پیام و فرهنگی است، گفت: تاکنون ۱۰ فیلم سینمایی، ۵ سریال و بیش از ۱۰۰۰ برنامه رادیویی در زمینه ایثار تولید شده و مسابقات فیلمنامه نویسی ایثار صورت برگزار شده است. ما مجموعه اسناد و سوزهای ناسی در اختیار داریم که آمادگی عرضه آنها به هنرمندان را داریم.

سید مرتضی حسینی مدیرکل امور هنری بنیاد شهید و امور ایثار گسران، مدیر گروه تلویزیونی شاهد و دبیر دومین جشنواره ملی فیلم ایثار هم در این نشست در پاسخ به سئوال خبرنگار روزنامه اطلاعات در خصوص داوری آثار

گفت: ۵اور شاخص و مطرح این جشنواره از بین کارگردانان سینما، استادان دانشگاه و مدیران مسئولیت اجتماعی و افرادی که کارهای مستند انجام داده اندانتخاب شده‌اند که البته آن‌ان آن را معرفی نمی‌کنیم.

وی یسایان این که در مقوله داوری، آشنایی با محتوای کار برای ما شاخص است، افزود: آثار برگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

کاپوایی را د با بیان اینکه ایزار هنر مهم ترین ایزار برای انتقال هر پیام و فرهنگی است، گفت: تاکنون ۱۰ فیلم سینمایی، ۵ سریال و بیش از ۱۰۰۰ برنامه رادیویی در زمینه ایثار تولید شده و مسابقات فیلمنامه نویسی ایثار صورت برگزار شده است. ما مجموعه اسناد و سوزهای ناسی در اختیار داریم که آمادگی عرضه آنها به هنرمندان را داریم.

سید مرتضی حسینی مدیرکل امور هنری بنیاد شهید و امور ایثار گسران، مدیر گروه تلویزیونی شاهد و دبیر دومین جشنواره ملی فیلم ایثار هم در این نشست در پاسخ به سئوال خبرنگار روزنامه اطلاعات در خصوص داوری آثار

گفت: ۵اور شاخص و مطرح این جشنواره از بین کارگردانان سینما، استادان دانشگاه و مدیران مسئولیت اجتماعی و افرادی که کارهای مستند انجام داده اندانتخاب شده‌اند که البته آن‌ان آن را معرفی نمی‌کنیم.

وی یسایان این که در مقوله داوری، آشنایی با محتوای کار برای ما شاخص است، افزود: آثار برگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

سراور ایستانداز تیم ملی والیبال در مسمری تیم ملی والیبال در مسمری تیم ملی والیبال در

نام سردار آزمون بازیگر به عنوان اولویت خرید باشگاه لاتزیو قرار گرفته است. این موضوع درحالی مطرح شده که آزمون پیش هم در نقل و انتقالات لیستایی اخیر نام آزمون لاتزیو به کرات به پوششیدن پیراهن تیم ملی ترجیح دادند، در این زمینه پاسخ داد: شهرام محمودی، یک بازیکن با کیفیت است و زمانی که می‌خواست در تیم ملی نباشد مشکلاتش را مطرح کرد. با کیفیتی که او دارد دو سال گذشته نیاز زیادی به او داشتم. من دوست ندارم بازیکنی به زور برای تیم ملی بازی کند. بازیکن باید با قلبش بجنگد.

کولاکوویچ در باره فهرست ۴۰ نفره دعوت شده به اردوی تیم ملی برای حضور در لیگ ملت های والیبال که سبب ایجاد برخی از حواشی در بین بازیکنان لیگ برتری شده بود، خاطر نشان کرد: این فهرست را ما، اوت، با تقاضی که من با فدراسیون والیبال و آنالیزورهایم داشتم، در اختیار فدراسیون قرار گرفت و به نظرم همه افرادی که در لیگ درخشیده بودند، در این فهرست حضور دارند. برای سفر به آمریکا در روال اداری مشکلی وجود دارد و زمان بر است. بخش اداری مرتبط با صدور روادید آمریکا کمی کارها را سخت پیش می‌ربرد.

برنامه هفته نوزدهم لیگ والیبال
پیکان تهران – رعد پالانقد کاشان ساری ۲۱ – سایا تهران کاله مازندران – بانک سرمایه کتیم و سبیم برزیل ، ایپالیا و ارباب شهرداری تیریز – شهرداری ارومیه شهرداری ورامین – خاتم اردکان

برنامه بازی ها:
شمس – هاروش کبکد شمس – رعد پالانقد کاشان ساری ۲۱ – سایا تهران کاله مازندران – بانک سرمایه کتیم و سبیم برزیل ، ایپالیا و ارباب شهرداری تیریز – شهرداری ارومیه شهرداری ورامین – خاتم اردکان

فجر دارد.

معاون توسعه ورزش همگانی و وزارت ورزش و جوانان دیروزاعلام کرد که ایسن معاونت بیش از هزار و ۶۰۰ برنامه برای توسعه ورزش همگانی در ایام ده فجر امسال برگزار خواهد کرد.
به گزارش وزارت ورزش و جوانان، غلامرضا شمعینی بهار به برگزاری مرحله نخست مسابقات ملی کارکنان دولت در هفته تربیت بدنی که در مهر امسال برگزار شد اشاره کرد و گفت: مرحله نهایی این مسابقات، دهه مبارک فجر با حضور دو هزار و ۸۰۰ کارمند در ۶ رشته ورزشی و در ۲۲۸ نقطه کشور و کوهنوردی خانوادگی در ۲۳۶ شهرستان و مراکز استان ها را از دیگر برنامه های توسعه ورزش همگانی در ایام دهه فجر عنوان کرد.

معاون وزیر ورزش و جوانان گفت: این عملیات در چهار رشته دارت، طناب زنی، گویبند سبکتبال و رویایی است. در مرحله گروهی هم چهار رشته طناب کشی، دژبال (وسطی)، فریزی و پتانسی هدفمند رقابت می‌کنند و در بومی محلی دو رشته به فراخور بازی های بومی و یک رشته والیبال

فجر دارد.

مراسم تجلیل از خانواده شهدای ساختمان پلاسکو با حضور محمدرحی نجفی شهردار تهران و اعضای شورای شهر شامگاه دوشنبه در باغ محمد فداق مقصد برگزار شد.

شهردار تهران در جمع خانواده شهدای پلاسکو گفت که پیگیر تحت پوشش بنیاد شهید کار گرفتن این خانواده‌ها خواهد بود و همچنین وعده داد تا سوم اسفند جاری که در شهررداری است در قبال خانواده‌های شهدا اجرا و قوانین در این زمینه اصلاح شود.

محمدرحی نجفی ایدام داد: از دست دادن یک فرزند یا هم به فرومندی کسانی که شما داندست داده‌اید. برای ما شخص است، اقوام و بزرگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

کاپوایی را د با بیان اینکه ایزار هنر مهم ترین ایزار برای انتقال هر پیام و فرهنگی است، گفت: تاکنون ۱۰ فیلم سینمایی، ۵ سریال و بیش از ۱۰۰۰ برنامه رادیویی در زمینه ایثار تولید شده و مسابقات فیلمنامه نویسی ایثار صورت برگزار شده است. ما مجموعه اسناد و سوزهای ناسی در اختیار داریم که آمادگی عرضه آنها به هنرمندان را داریم.

سید مرتضی حسینی مدیرکل امور هنری بنیاد شهید و امور ایثار گسران، مدیر گروه تلویزیونی شاهد و دبیر دومین جشنواره ملی فیلم ایثار هم در این نشست در پاسخ به سئوال خبرنگار روزنامه اطلاعات در خصوص داوری آثار

گفت: ۵اور شاخص و مطرح این جشنواره از بین کارگردانان سینما، استادان دانشگاه و مدیران مسئولیت اجتماعی و افرادی که کارهای مستند انجام داده اندانتخاب شده‌اند که البته آن‌ان آن را معرفی نمی‌کنیم.

وی یسایان این که در مقوله داوری، آشنایی با محتوای کار برای ما شاخص است، افزود: آثار برگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

کاپوایی را د با بیان اینکه ایزار هنر مهم ترین ایزار برای انتقال هر پیام و فرهنگی است، گفت: تاکنون ۱۰ فیلم سینمایی، ۵ سریال و بیش از ۱۰۰۰ برنامه رادیویی در زمینه ایثار تولید شده و مسابقات فیلمنامه نویسی ایثار صورت برگزار شده است. ما مجموعه اسناد و سوزهای ناسی در اختیار داریم که آمادگی عرضه آنها به هنرمندان را داریم.

سید مرتضی حسینی مدیرکل امور هنری بنیاد شهید و امور ایثار گسران، مدیر گروه تلویزیونی شاهد و دبیر دومین جشنواره ملی فیلم ایثار هم در این نشست در پاسخ به سئوال خبرنگار روزنامه اطلاعات در خصوص داوری آثار

گفت: ۵اور شاخص و مطرح این جشنواره از بین کارگردانان سینما، استادان دانشگاه و مدیران مسئولیت اجتماعی و افرادی که کارهای مستند انجام داده اندانتخاب شده‌اند که البته آن‌ان آن را معرفی نمی‌کنیم.

وی یسایان این که در مقوله داوری، آشنایی با محتوای کار برای ما شاخص است، افزود: آثار برگزیده این جشنواره در اختیار صلدوسیمما قرار خواهد گرفت تا برای عموم به نمایش گذاشته شوند؛ همچنین برنامه داریم برای دوره‌های بعدی این جشنواره امکان اکران آثار

شهرداری و سازمان آتش‌نشانی در قبال شهدا تا حدی که

را هم فراهم کنیم.

آزمون بعد از روسیه به ایتالیا می رود

نام سردار آزمون بازیگر به عنوان اولویت خرید باشگاه لاتزیو قرار گرفته است. این موضوع درحالی مطرح شده که آزمون پیش هم در نقل و انتقالات لیستایی اخیر نام آزمون لاتزیو به کرات به پوششیدن پیراهن تیم ملی ترجیح دادند، در این زمینه پاسخ داد: شهرام محمودی، یک بازیکن با کیفیت است و زمانی که می‌خواست در تیم ملی نباشد مشکلاتش را مطرح کرد. با کیفیتی که او دارد دو سال گذشته نیاز زیادی به او داشتم. من دوست ندارم بازیکنی به زور برای تیم ملی بازی کند. بازیکن باید با قلبش بجنگد.

کولاکوویچ در باره فهرست ۴۰ نفره دعوت شده به اردوی تیم ملی برای حضور در لیگ ملت های والیبال که سبب ایجاد برخی از حواشی در بین بازیکنان لیگ برتری شده بود، خاطر نشان کرد: این فهرست را ما، اوت، با تقاضی که من با فدراسیون والیبال و آنالیزورهایم داشتم، در اختیار فدراسیون قرار گرفت و به نظرم همه افرادی که در لیگ درخشیده بودند، در این فهرست حضور دارند. برای سفر به آمریکا در روال اداری مشکلی وجود دارد و زمان بر است. بخش اداری مرتبط با صدور روادید آمریکا کمی کارها را سخت پیش می‌ربرد.

برنامه هفته نوزدهم لیگ والیبال
پیکان تهران – رعد پالانقد کاشان ساری ۲۱ – سایا تهران کاله مازندران – بانک سرمایه کتیم و سبیم برزیل ، ایپالیا و ارباب شهرداری تیریز – شهرداری ارومیه شهرداری ورامین – خاتم اردکان

عبور کاپ جام جهانی از ۵۱ کشور تا روسیه
در فاصله حدود ۲۰ هفته تا آغاز مهترین تورنمنت فوتبال جهان، سفر کاپ جام جهانی ۲۰۱۸ در یک مراسم رسمی در لندن آغاز شد.

به گزارش منابع اینترنتی، این مراسم روز دوشنبه با حضور جف مورست ملی پوش سابق تیم انگلیس، آندره آ پیرلو بازیکن سابق ایتالیا و ویکتوریا لویرواسفیر جام جهانی روسیه برگزار شد.انتظار می رود کاپ جام جهانی به میزبان بازمی گردد تا به قهرمان تورنمنت روسیه اعطا شود.جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ خرداد تا ۲۴ تیر در روسیه برگزار می‌شود.

خداحافظی نادل با تنیس اوپن استرالیا

در نخستین روز از مسابقات تنیس اوپن استرالیا رافائل نادل مقابل مارین چیلیچ شکست خورد و از مسابقه حذف شد.
به گزارش ایسنا، دیروز در دور یک چهارم نهایی تنیس اوپن استرالیا، رافائل نادل مرد شماره یک تنیس جهان مقابل مارین چیلیچ قرار گرفت. نادل که از ناحیه پا احساس ناراحتی می‌کرد پیش از به پایان رسیدن کامل مسابقه کناره‌گیری کرد. ۳ تیم این بازی انجام شد که در ست اول چیلیچ با نتیجه ۶-۶ برابری شد. نادل ست دوم را با نتیجه ۶-۷ به سود خود به پایان رساند. در ست سوم شرایط جسمی نادل وخیم‌تر شد و ست ۶ را بر ۲ واگذار کرد. ست چهارم تا نتیجه ۲ بر صفر پیش رفت و بعد از آن نادل از ادامه بازی انصراف داد.

نخستین تمرین مختیاران با آرستال
ستاره ارمنستانی که پرپروز رسما راهی آرستال شد دیروزدر تمرینات توجیهی ها زیر نظر ونگر حاضر شد.

به گزارش فارس، روز گذشته رسما تمرین مختیاران به عنوان بخشی از انتقال مختیاران به نخستین پویانته به آرستال پیوست. با خروج سالیس از آرستال رسما شماره ۷ این تیم آزاد شد تا این شماره به مختیاران پرمسبر این اساس امروز تمرینات توجیهی ها زیر نظر ونگر برگزار شد و مختیاران نخستین تمرین خود را رسما با توجیهی ها آغاز کرد.

لگهای کپی‌قاه

اختصاص ۲۴۰۰ میلیارد تومان برای حل مشکلات دارویی
سختگوی وزارت بهداشت با اشاره به مشکلاتی که در زمینه واردات دارو وجود دارد، گفت: تدابیر لازم در این زمینه اتخاذ شده است.به گزارش مهر، دکتر ایرج جراحی در ارتباط با موضوع بودجه سلامت به مصوبات کمیسیون تلفیق مجلس اشاره کرد و اظهار داشت: قسمتی از منابع سلامت اضافه شده که البته عمده این منابع از محل اوراق خزانه اسلامی و قسمتی هم احکام کمیسیون تلفیق است.وی در پاسخ به این سؤال که عنوان می‌شود که در زودی در تأمین داروهای وارداتی دچار مشکل خواهیم شد، گفت: قرار است ۲۴۰۰میلیارد تومان منابع جدید توزیع شود که ۲۰۰میلیارد آن از محل بیمه ها و ۲هزارمیلیارد از منابع مستقل است که بخش عمده مشکلات دارویی با این اعتبار رفع می‌شود.

انتقاد نمایندگان انجمن های حمایت از بیماران خاص از کمبود اعتبارات

نمایندگان انجمن‌های حمایت از بیماران خاص از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست کردند که منابع مالی و اعتباری لازم برای مصوبه اخیر کمیسیون تلفیق را پیش‌بینی و تصویب کنند.به گزارش ایسنا، دکتر محمدجواد کیان، معاون بنیاد امور بیماری‌های خاص با بیان اینکه ما اقدام کمیسیون تلفیق را مبتی بر افزون این بیماری‌ها (ا‌اس، ای، ای، اتیسم و بیماری‌های متولید) که فهرست بیماری‌های خاص به نظر نیک می‌گیریم، ادامه داد: اما باید بگویم که اعتبارات لازم برای بیماری‌های خاصی که قبلا به عنوان بیماری خاص شناخته شده‌اند، تأمین نشده، اما اعتبارات‌شان کم است و برای خدمات‌شان کفایت نمی‌کند.

استانداردسازی جایگاه های سوخت CNG سواری
مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران از اتمام ۱۰۰ درصبعیات استانداردسازی جایگاه های سوختCNG خودروهای سواری خبر داد.کامران زنگنه گفت این عملیات از ابتدای اردیبهشت سال ۹۶ آغاز شد و تاکنون تمامی ۲۰ جایگاه سوختCNG خودرو های سواری مشمول طرح استاندارد سازی شده اند.مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر با بیان این که ۱۰ جایگاه سوخت CNG اتوبوسرانی در سطح شهر مشغول خدمت رسانی به شهروندان هستند، تأکید کرد: تاکنون ۵۰ درصد جایگاه های اتوبوس هم استانداردسازی شده است.

سازمان منطقه آزاد اروند در راستای اجرای طرح‌های عمرانی و زیربنایی به منظور اجرای راه آهن داخلی منطقه آزاد اروند درنظر دارد اراضی محل اجرای پروژه موصوف (حد قاصل پشت اردو گاه راهیان نور) موقعیت شهید باکری) تا ابتدای

سایت صنعتی خرمشهر) را برابر کروکی و مشخصات پیوست خریداری نماید، لذا بدیتوسیله مستندا به لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ از مالکین محترم و صاحبان حقوق قانونی که ملک آنان در طرح مزبور قرار دارد دعوت می‌شود ظرف مدت قانونی (حداکثر ۳۰ روز) به همراه داشتن اسناد مالکیت و مدارک مربوطه به منظور مذاکره به دفتر املاک و امور اراضی (مدیریت امور حقوقی) این سازمان واقع در آبادان، بریم، سازمان منطقه آزاد اروند مراجعه نمایند.

سایت منطقه آزاد اروند

سازمان منطقه آزاد اروند در راستای اجرای طرح‌های عمرانی و زیربنایی به منظور اجرای راه آهن داخلی منطقه آزاد اروند درنظر دارد اراضی محل اجرای پروژه موصوف (حد قاصل پشت اردو گاه راهیان نور) موقعیت شهید باکری) تا ابتدای

سایت صنعتی خرمشهر) را برابر کروکی و مشخصات پیوست خریداری نماید، لذا بدیتوسیله مستندا به لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ از مالکین محترم و صاحبان حقوق قانونی که ملک آنان در طرح مزبور قرار دارد دعوت می‌شود ظرف مدت قانونی (حداکثر ۳۰ روز) به همراه

فرهنگ

۳۴۲

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و دوم - شماره ۲۶۹۲۴

۲



مقاله‌ای از پروفسور
آنهماری شیمیل درباره
فریضه اسلامی حج

روزگار



بازگشتی به گذشته دور و دراز
پیدای ناپیدا علی (ع)

۴-۵



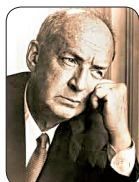
روایت عبدالله مستوفی از بلدیة قدیم
شهر و خاکروب‌ها

۲



فرانتس کافکا
در پیشگاه قانون

۳



رمان شاه، بی‌بی، سرباز
نابوکوف و یک کتاب

۵



در کوچه‌باغ اندیشه
اگر مرگ نباشد...



تقریظ بر کتاب
مشاهیر خاندان صدر

مواجهه‌ای با مسائل این دوره داشته‌اند، برای ما بسیار جالب خواهد بود. این کاری است که آقای دکتر کامالین انجام داده، و تقریباً با عنایت و وسواس آن را پیگیری کرده است. در واقع، جناب کامالین، خودش به تعبیر صائب، اهل درد است، و دقیقاً از این زاویه و با عنایت به رویکردی که خودشان داشته‌اند، این مباحث را پیگیری کرده، و از ارائه کوچک‌ترین خاطره و یادداشت و نتیجه‌گیری از آن، خودداری نکرده‌اند.

دوست ما جناب کامالین، انسانی شریف، اخلاقی، متدین و دوست‌داشتنی، و همزمان سخت دلبسته‌ی آزادی فکر و اندیشه هستند. ایشان بخشی از آمل و آرزوهای خود را در خاندان صدر که کم چهره‌ی ماندگار ندارند، جستجو کرده‌اند. یکی از زبده‌ترین چهره‌ها که در این مجلد به وی مفصلاً پرداخته شده، مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر، فقیه مجاهد و روشنفکر و پدر امام موسی صدر است. این ویژگی، در سراسر این کتاب آشکار و در تبیین مبانی آن از دل مرویات و اخبار و گزارش‌ها بروز و ظهور یافته است. به هر حال، هر انسانی، در ارائه‌ی هر نوع گزارشی، بیشتر خواسته یا ناخواسته، و البته گاه ناخواسته، علائق خود را و لو به صورت محدود نشان می‌دهد. مهم آن است که در مقام محقق، تلاش کند، راه میانه را طی کرده و ضمن وفاداری به منبع و خبر اولیه، رعایت واقع‌گرایی و بی‌طرفی را داشته باشد و اصول علمی را در نگارش رعایت کند.

بنده از تجمیع این همه نقل و گزارش، و بویژه از دقت و تدقیق در نگارش، در شگفتم و می‌دانم که نویسنده تمام تلاش خود را در ارائه یک متن درست و دقیق بکار برده است. از این بابت، و به خصوص از این که یک دانشمند ژئوتکنیک لرزه‌ای که رشته اولیه‌اش تاریخ نیست، تا این اندازه توانسته است مرزهای تاریخ و دانش شرح‌حال نویسی را درنوردد، به ایشان تبریک می‌گویم و برای ایشان که آشنایی بیش از سی ساله با او دارم، آرزوی موفقیت‌های بیشتر در همه عرصه‌ها دارم.

این یادداشت را روز غدیر امسال که مصادف با ۳۰ شهریور ۱۳۹۵ است نوشتم. ان‌شاءالله خداوند همه‌ی ما را از متمسکین به ولایت امیرمؤمنان و ائمه معصومین علیهم‌السلام قرار دهد. (جلد اول «مشاهیر خاندان صدر»، ۲۷-۲۹).

رسول جعفریان

کتاب ارزشمند «مشاهیر خاندان صدر» را که هم اینک مجلد نخست آن برابر قرار دارد، مرور کردم. فکر می‌کنم برای این اثر، از چشم‌بند که آن را به مثابه کتابی در حوزه «تاریخ» می‌نگرم، چند ویژگی برشمارم:

نخست آن که یک اثر در حوزه «تاریخ‌خاندانی» است که در عالم تاریخ و اجتماع، گرایشی با ارزش به شمار می‌آید. گرایشی که در روزگار ما، به دلیل بی‌توجهی، و در کشاکش انقطاع فرهنگی نسل‌ها، مورد غفلت قرار گرفته، و بسیاری از آگاهی‌های مربوط به خاندان‌ها از میان رفته است. اکنون شاهد یک نمونه‌ی برجسته از پژوهش‌خاندانی هستیم که نه فقط به خاطر این که این خاندان اهمیت دارد، بلکه از دید بنده به عنوان ذره‌ای ناچیز از زمهری اهالی تاریخ، به دلیل آن که به این گرایش پرداخته شده، و می‌تواند چارچوبی برای دانشجویان و دیگر پژوهشگران حوزه تاریخ باشد، نهایت اهمیت را دارد.

دوم آن که، این اثر یک کار پژوهشی درجه‌ی یک است. آن‌گونه که جناب کامالین، تا آن جا که توانسته، در بدست آوردن منابع، آگاهی‌ها و مواد دانستنی در این حوزه، و تحقیق پیرامون آنها خودداری نکرده است.

این که کسی در هر سه بخش، یعنی منبع‌شناسی، موادپژوهی، و تحقیق روی آنها کاری را انجام دهد، از نظر ما ایده آل است. کارهایی هست که به یکی از این ابعاد یا حداقل دو مورد آن توجه دارد؛ اما انصافاً و حقاً کاری که در باره‌ی خاندان صدر شده، از هر سه جهت، شایسته‌ی نگرستن و درس گرفتن، و طبعاً باز هم برای اهالی تاریخ است که کاری را که برای پژوهش دست می‌گیرند، تا نهایت انجام دهند و از هر نکته‌ای که در آن باره می‌توان بدست آورد و در جایش از آن بهره برد، فروگذار نباشد.

سوم آن که ما با یک اثر صرف‌خاندانی روبرو نیستیم، بلکه با تاریخ نزدیک به یک قرن ایران و عراق و لبنان، بویژه از زاویه‌ی اندیشه‌ای و نیز رفتارشناسی روحانیون برابر جنبش‌ها و بحران‌های جامعه‌ی شیعی روبرو هستیم. قرن گذشته، از حیث تغییرات مهمی که در آن رخ داده، نیز تنوع مباحثی که به لحاظ دینی و رفتاری طرح شده، در زندگی روزانه‌ی امروز ما هم بسیار مهم و مؤثر است. این که چهره‌های برجسته خاندان صدر، به دلیل موقعیت خاصی که در سطوح مختلف رهبری فکری و سیاسی داشته‌اند، چه نوع

آموزه

دوستی نعمت گرانبهائی
است که خوشبختی را
دو برابر می‌کند و از
بدبختی‌ها می‌کاهد.



ویلیام شکسپیر

قلم‌انداز



صدای دیجیتالیسم

برخلاف تمام یا بسیاری از نظریه‌ها که نظریه محضند، بدون اینکه وارد حوزه تحقق و واقعیت بشوند یا تحت نظریه‌اند و بعدها ممکن است تحقق بیابند یا اساساً تحقق نیابند و ابطال شوند، دیجیتالیسم چیزی است عینی و محسوس و معمولی که ابعاد نظری آن بعد از حضور واقعی‌اش نمایان می‌شود. از سوی دیگر دیجیتالیسم را نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که وقتی بالعیان می‌بینیم که گذرگاه جهان است و جهان هر روز و حتی هر ساعت و هر آن از مجاری آن عبور می‌کند، نمی‌توانیم در باب آن سکوت فلسفی روا داریم!

بنابراین، دیجیتالیسم واقعیت فراگیری است که حتی اگر سرشتی فلسفی نداشته باشد، خودش را به فلسفه تحمیل می‌کند و به گونه‌ای هم هست که عاملی جز فلسفه از عهده تحلیلش بر نمی‌آید. کم نبوده‌اند کسانی که به عنوان استادان ارتباطات یا متخصصان رسانه یا مدرسان و تحلیل‌گران مباحث اجتماعی و حتی روانشناختی سعی کردند در این باره سخن بگویند و تحلیل کنند. تمام آنچه در این باره از اول تاریخ دیجیتالیته تا این لحظه گفته شده، به یمن خودبزارهای دیجیتال در اختیار ماست و همه آنها را می‌توانیم یک جا گرد بیاوریم و مورد ملاحظه و مطالعه قرار بدهیم. آنچه از مجموع گفتارهای موجود درباره دیجیتالیته می‌توان برداشت کرد، این است که آنها بیش از آنکه تحلیلی باشند، توصیفی‌اند. به همین جهت، عملاً از حوزه شیوه فلسفی و تفکر فیلسوفانه بیرونند.

بنابراین، غالب کسانی که تا امروز درباره دیجیتالیسم سخن گفته‌اند، به خود آن نظر داشته‌اند، نه هست و باید آن و نه ماهیت و ابعاد و جودی آن در حال و آینده و در ارتباط با قضایای مختلف انسانی و وجودی. به همین جهت به سهولت می‌توان گفت:

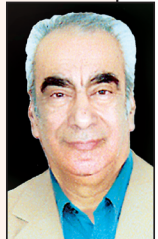
بسیاری از کسانی که در این وادی راه می‌روند و سخن می‌گویند از دیجیتال و ابزارهایی که از پی هم می‌آیند، سخن می‌گویند نه دیجیتالیسم به عنوان یک مشرب و مکتب بالقوه و بالفعل و نه کارکردهای ذهنی و عملی آن. برای شکار و شناخت دیجیتالیسم، آنگونه که هست و آنگونه که باید و بخصوص برای شناخت رهاوردهای کوچک و بزرگ و مستقیم و غیرمستقیم آن، هیچ راهی جز فلسفه وجود ندارد، آنهم نه هر فلسفه‌ای، بلکه فلسفه خاص این طریقت که ما آن را فلسفه دیجیتالیسم می‌خوانیم و می‌شناسیم.

دیجیتالیسم به مثابه شریان عمومی جهان جدید و دیجیتالیسم به مثابه تعیین‌کننده و تنظیم‌کننده روابط نو، محتاج ارائه الگوهای تحلیلی است که با آن متناسب باشد. پیش از هر چیز سخن را باید با مبانی این انقلاب پدیده شروع کرد: انقلاب پدیده‌ای با مشارکت همه جانبه حرف، عدد و تصویر از هم آمیزی و پیوند و اقتران آنچه حرف است و دنیای وسیله و بی‌پایان آن و نیز آنچه عدد است و عالم بی‌انتهای آن و تصویر یا آنچه از کوچک یا بزرگ قابل تصور است، صدایی شکل گرفته است که صدای موجود جهان است: صدای دیجیتالیسم.



تحقیق

ترجمه: شهرام تقی زاده انصاری



استاد انصاری

و ضعیفیت مکّه: از زمان‌های بسیار دور، مکّه مرکز زیارتی بوده است. مکان کعبه که تقریباً مربع شکل است طبق آیه ۱۲۵ سوره بقره، در قرآن مجید: «و کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم. مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید. ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم، خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان پاکیزه کنید» توسط حضرت ابراهیم(ع) احداث شد و کعبه آسمانی، طبق نقل‌های مذهبی، به ناف (مرکز) زمین مشهور شد.

قرن‌ها مسلمانان جهان به زیارت مکّه می‌رفتند و به دور کعبه که روزگاری مرکز بت‌ها شده بود، طواف می‌کردند. وقتی که پیامبر اسلام در سال ۶۲۲ میلادی (مبدأ سال هجری قمری) به شهر مدینه هجرت فرمود، کعبه مرکز انتشار افکار او شد. یعنی در این مرکز مقدس، مسلمانان خداوند را عبادت می‌کردند. همان‌طور که می‌دانیم، ابتدا مسلمانان به طرف بیت المقدس نماز می‌خواندند و او را ستایش می‌کردند ولی بعداً طبق دستور خداوند در قرآن آیه ۱۲۴ سوره بقره «نگریستن را به اطراف آسمان می‌بینم. تو را به سوی قبله‌ای که می‌پسندی روی بدان جانب کنید، پس روی به جانب مسجد الحرام کن. و هر جا که باشید روی بدان جانب کنید». بنابراین جهت قبله مسلمانان، عوض شد و شهر مکّه قبله مسلمانان قرار گرفت. از آن تاریخ سالانه میلیون‌ها مسلمان به طرف شهر مکّه نماز می‌خوانند.

در سال ۶۳۰ میلادی یعنی سال هشتم هجری قمری، کعبه از بت‌ها که ۳۶۰ عدد بود بخصوص بت «هبل» پاکسازی شد. محمد(ص) چند ماه قبل از فوتش، آیین و رسوم جشن عید قربان را شرح داده بود که امروزه تصویر کامل‌تری از آن را در مکّه می‌بینیم. به این ترتیب این آیین و رسوم حالت روحانی و معنوی پیدا کرد.

آیین و مراسم حج: آیین و مراسم حج در روز دهم آخرین ماه هجری قمری یعنی «ذی‌الحجه» برگزار می‌شود. بر هر مسلمانی واجب است یک بار در عمر خود «حج تمتع» بجا بیاورد. برای انجام حج واجب، شخص نیت‌کننده برای سفر حج باید از سلامتی کامل برخوردار بوده، سعی داشته باشد بدون قرض سفر خود را انجام دهد. این مسئله نشان‌دهنده دیدگاه واقع‌بینانه دین اسلام در برگزاری تکالیف دینی است.

در زمان گذشته، مسلمانان مجبور بودند برای رسیدن به شهر مکّه از شتر و اسب و درشکه و در سفرهای دریایی از قایق‌های چوبی ساده استفاده کنند که این مسائل سفر را بسیار مشکل می‌کرد و بعضی اوقات نیز سفر به مخاطره می‌افتاد. ولی با این وصف، امروزه مسلمانان با اینکه با هواپیما و ماشین‌های سریع به مکّه سفر می‌کنند، چه بسا نسبت به آن زمان وقت کمتری پیدا کنند که درباره اصل مسئله حج و معنی آن بیندیشند و روح خود را برای

این سفر روحانی آماده کنند.

حجاج معمولاً از سفر حج، ظرفی از آب زمزم که در گذشته، هاجر از آن نوشیده بود، با خود برای خوشاوندان و دوستان خود می‌آورند. حتی بعضی مومنین خلعت خود را همراه خود به مکّه می‌برند و در آب زمزم فرو می‌برند تا متبرک شود. مسلمانانی که در این سفر روحانی شرکت می‌کنند، «حاجی» نامیده می‌شوند.

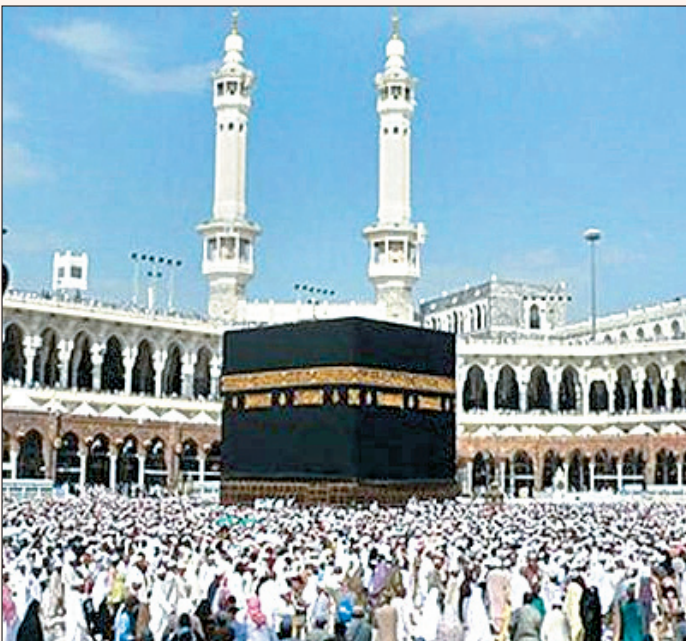
مردان مسلمان بعد از تراشیدن موی

باید اعمال زیر را بجای آورند: مراسم اصلی توقف در ارتفاعات عرفات است که تا شهر مکّه شش فرسنگ فاصله دارد. در این محل مشغول گفتگو با یکدیگر می‌شوند و به درگاه خداوند نیایش می‌کنند و به خطبه هم گوش فرا می‌دهند. این عمل باید در شب نهم ذیحجه انجام شود.

در موقع بازگشت از مشعر به منی مراسم «رمی جمرات» (سنگ پراندن به

مقاله ای از پروفسور آگه ماری شیمیل در باره

فریضه اسلامی حج



پانزدهمین سال یاد مرگ پروفسور آگه ماری شیمیل

اشاره: شیمیل متولد ۱۹۲۲ میلادی در آلمان، بعد از اخذ دیپلم به تحصیل زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و اردو و آموختن هنرهای زیبا و معارف اسلامی پرداخت. او بعد از اخذ دکترای ادیان، چند سفر به ترکیه کرد و در دانشگاه آنکارا نیز به تدریس مشغول شد. بعد از مدتی تدریس در دانشگاه بن به دانشگاه هاروارد رفت و مدت‌ها ریاست بخش «هنر اسلامی» آنجا را به عهده داشت.

او برای تدریس و سخنرانی به کشورهای پاکستان، هند، عراق و ایران هم سفر کرد و مدال‌هایی دریافت نمود. او جوایز هامبورگشتال، صلیب آلمان و صلح اتحادیه ناشران و کتابفروشان را نیز کسب کرد.

جایگاه او در ایران شناسی در کنار ادوارد براون، نیکلسون، هارتمان وایلرز قرار دارد. او در ایران نیز دکترای افتخاری کسب کرد. در ایران، بزرگداشت‌هایی برای او گرفته شد. او خود را نوه معنوی مولانا، دختر روحانی اقبال لاهوری و خواهر ترجمانی روکرت می‌داند. یکی از ویژگی‌های او، دفاع از اسلام و پیامبر(ص) در شرایط سنگین اسلام ستیزی در غرب بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر می‌باشد. سرانجام وی در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۳، (بهمن ماه ۱۳۸۱) در آلمان بدرود حیات گفت. این مقاله برای بزرگداشت سالمرگ او منتشر می‌شود.

شیطان) انجام می‌شود که در آن هر مسلمان باید سه مرتبه و در هر مرتبه هفت سنگریزه به شیطان بزند. سپس، در روز دهم ماه «ذیحجه» باید هفت دور به دور خانه خدا طواف کنند و بعد نماز طواف بخوانند و سپس عمل «سعی» را به جای آورند یعنی هفت بار بین صفا و مروه بدونند.

هر یک از حجاج باید یک گوسفند یا گاو و یا شتر در «منی» قربانی کنند. این مراسم روزی را به یاد می‌آورد که ابراهیم(ع) طبق دستور خداوند می‌بایست فرزندش «اسماعیل» (ع) را در راه خداوند قربانی کند ولی خداوند گوسفندی را می‌فرستد تا قربانی شود...

سر و پاکیزه کردن خود خارج از شهر مکّه، لباس احرام بر تن می‌کنند که از یک تکه پارچه دوخته نشده سفید تشکیل شده است که بالا و پایین تن مسلمانان را می‌پوشاند. زنان مسلمان نیز یک تکه پارچه سفید بلند بر تن می‌کنند و موهای خود را نیز با پارچه‌ای می‌پوشانند. مسلمانان در تمام طول زیارت مکّه و انجام اعمال حج باید یک سری قوانین فقهی و شرعی را انجام دهند، از جمله اینکه حق ندارند حیوانی را بکشند، حتی یک پشه را. مو و ناخن خود را اجازه ندارند کوتاه کنند. مسلمانان هنگام ورود به صحن مقدس «لبیک» (یعنی خدایا، من در خدمت تو هستم) می‌گویند. سپس

در پیشگاه قانون

فرانتس کافکا



در پیشگاه قانون نگهبانی نشسته است. مردی روستایی نزد نگهبان می‌آید و خواستار دریافت اجازه به منظور ورود به قانون می‌شود. اما نگهبان پاسخ بر می‌آورد که در حال حاضر نمی‌تواند به او اجازه ورود بدهد. مرد به فکر فرو می‌رود و سپس می‌پرسد که آیا این امکان به او داده می‌شود که در زمانی دیگر ورود یابد. نگهبان پاسخ می‌دهد: «احتمال آن وجود دارد. اما هم اکنون خیر» در این حین دروازه قانون همچون همیشه گشاده می‌شود و نگهبان به کناری قدم می‌گذارد. مرد به منظور دیدن آنچه در درون می‌گذرد خود را خم می‌کند.

نگهبان که متوجه این موضوع می‌شود خنده‌ای سر می‌دهد و می‌گوید: «اگر بسیار وسوسه شده‌ای، بر خلاف ممانعت من می‌توانی وارد شوی. اما این را به یاد داشته باش که من صاحب قدرت هستم. این درحالیست که در میان سایر نگهبانانی که در پس هر در به انتظار نشسته‌اند من کمترین قدرت را دارا می‌باشم و هریک از نگهبانان از دیگری قدرتمندتر و نیرومندتر می‌باشند. تا حدی که من حتی نمی‌توانم نیم نگاه نگهبان سوم را تحمل کنم.» مرد روستایی که انتظار چنین دشواری‌هایی را نمی‌کشید با خود گفت: «قانون مسئله ایست که باید در اختیار تمامی انسان‌ها قرار گیرد.» اما همچنان که با دقت بیشتری نگهبان و کت خز دارش به همراه بینی بزرگ نوک تیز و ریش بلند و باریک سیاهش را ورنانداز می‌کرد تصمیم بر آن می‌دارد که تا زمان دریافت اجازه از جانب نگهبان برای ورود صبر نماید. نگهبان سه پایه‌ای در اختیار مرد می‌گذارد تا در گوشه‌ای رویه روی دروازه در انتظار بنشیند. مرد روزها و سال‌ها در آنجا به سر می‌برد. درحالی‌که که دست به کوشش‌های بسیاری می‌زند با درخواست‌های فراوانش نگهبان را خسته می‌کند.

نگهبان اغلب از او بازجویی‌های مختصری می‌کند و سوال‌هایی در مورد سرزمین مادریش و موارد دیگر می‌پرسد اما پرسش‌ها از هم متفاوتند. گویی از آن دسته سوال‌هایی هستند که مردان بزرگ مطرح می‌کنند. و دست آخر هر بار به او می‌گویند که هنوز اجازه ی ورود به داخل را نیافته است. مرد که به منظور سفرش لوازم بسیاری با خود به همراه آورده بود همه چیزش را، با ارزش‌های کم تا کلان، در راه جلب رضایت نگهبان از دست می‌دهد. نگهبان در حالیکه آخرین داشته‌های مرد را می‌ستاند می‌گوید: «من این را تنها به این دلیل برمی‌دارم تا مبادا تو گمان کنی راهی را امتحان نکرده‌ای و در جایی کوتاهی نموده‌ای.» در طول سال‌های متمادی مرد به طور مستمر به مشاهده نگهبان می‌نشیند. او نگهبانان دیگر را فراموش کرده و به نظرش اولین آنها تنها مانعش برای ورود او به قانون به حساب می‌آید. وی در سال‌های نخستین بی‌خردانه بر شناس بد خود فریاد لعن و نفرین برمی‌آورد و همانطور که به سنین پیری پا می‌نهد همچنان با خود زیر لب سخن می‌گوید. پس از گذشت سال‌ها همانند کودکی می‌شود و از آنجایی که عمری به مشاهده نگهبان پرداخته بود اکنون دیگر کک‌های موجود در یقه‌ی خزدار او را نیز می‌شناسد تا حدی که گاهی از آنها می‌خواهد تا به او در راضی کردن نگهبان یاری برسانند. در نهایت سوی چشمان مرد ضعیف می‌شود. او دیگر نمی‌داند که آیا اطرافش رو به تاریکی نهاده یا چشمانش او را فریب می‌دهند. اما هم اکنون از سوی دروازه قانون متوجه اشرافی فرونشاندنی می‌شود. اکنون که دیگر عمری برای وی باقی نمانده است، پیش از مرگش تمامی تجربیاتی که در طی این سالیان به دست آورده بود را گرد هم می‌آورد و پرسشی که تا کنون از نگهبان نپرسیده بود را مطرح می‌کند. از آنجایی که مرد تاب تحمل بدن سنگین خود را ندارد دستش را به سوی نگهبان تکان می‌دهد. حال که روح و جسم مرد طی گذشت سالیان متمادی و تأثیرات مخرب آنها ضربات شدیدی دیده بود نگهبان می‌بایست برای شنیدن سخنان وی خود را به سمتش خم نماید. وی از مرد می‌پرسد: «هنوز دیگر چه می‌خواهی بدانی؟ تو هیچ گاه سیراب نخواهی شد.» مرد پاسخ بر می‌آورد: «همگان در کوشش دستیابی به قانون به سر می‌برند. پس چگونه ممکن است در طی تمامی این سال‌ها کسی جز من به منظور ورود به آن قدمی نهاده است؟»

نگهبان که اکنون مرگ را در چند قدمی مرد می‌بیند به منظور آنکه گوش‌های ناتوان وی صدایش را بشنوند فریاد می‌زند: «هیچ کس دیگری اجازه ورود به این مکان را ندارد و چرا که این دروازه تنها متعلق به تو بود. و هم اکنون من آن را خواهم بست.»

روجامیر جعفری

ولادیمیر نابوکوف در سال ۱۸۹۹ در پترزبورگ به دنیا آمد. او پسر بزرگ خانواده‌ای با فرهنگ و آزاداندیش بود. بعد از روی کار آمدن بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷، نابوکوف‌ها از روسیه مهاجرت کردند و ابتدا به لندن و سپس به برلین رفتند. ولادیمیر نابوکوف در ترینیتی کالج کیمبریج درشش را تمام کرد و در سال ۱۹۲۲ به خانواده‌اش در برلین ملحق شد. در فاصله سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۴۰ رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، نمایشنامه‌ها، شعرها و ترجمه‌هایی به زبان روسی منتشر کرد و یکی از نویسندگان بزرگ مهاجر شد. در سال ۱۹۴۰ با همسر و پدرش به آمریکا رفت. از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۸ در ولزلی کالج تدریس کرد و بعد استاد ادبیات روس دانشگاه کورنل شد، اما در سال ۱۹۵۹ تدریس و دانشگاه را کنار گذاشت. نخستین رمانش به زبان انگلیسی «زندگی واقعی سباستین نایت» بود که در سال ۱۹۴۱ چاپ شد. معروف‌ترین رمان نابوکوف، «لولیتا»، سبب شهرت او در سراسر جهان شد. نابوکوف در سال ۱۹۷۳ نشان ملی آمریکا را در ادبیات دریافت کرد. وی در سال ۱۹۷۷ در مونتر، سوئیس، از دنیا رفت.

نابوکوف در حوزه‌هایی غیر از ادبیات نیز علاقه داشت که در آن‌ها کارشناس به حساب می‌آمد. مثلاً در شناخت پروانه و طراحی مسائل شطرنج آثاری از خود باقی گذاشته است.

مهم‌ترین رمان‌های نابوکوف عبارتند از: ماشینک، «شاه، بی بی، سرباز» دفاع لوزین، خنده در تاریکی، دعوت به مراسم گردن زنی، هدیه، بندسینستر، پنین، آتش رنگ باخته، آدا، چیزهای شفاف و به دلقک‌ها نگاه کن.

همان طور که در پیش گفتار نویسنده آمده است رمان «شاه، بی بی، سرباز» در اصل به زبان روسی نوشته شده بود. بعدها دیمیتری نابوکوف، پسر ولادیمیر نابوکوف، آن را به انگلیسی ترجمه کرد، اما نویسنده در آن دست برد - نه تنها در متن ترجمه انگلیسی بلکه در طرح داستانی و بسیاری از تعبیر و الفاظ - به طوری که می‌توان گفت متن انگلیسی هویتی مستقل از متن قدیمی روسی پیدا کرده است. ترجمه آثار نابوکوف دشوار و وقت‌گیر است. پیچیدگی‌های زبانی سد راه مترجم می‌شود و کار ترجمه را طولانی می‌کند. برای طنز عجیبی که در نوشته نابوکوف موج می‌زند باید مابازایی در زبان فارسی پیدا کرد. «شاه، بی بی، سرباز» نوعی تراژدی - کمدی است و همین کار مترجم را سخت‌تر هم می‌کند. قصد ندارم (مجال هم نیست) وارد بحث درباره چگونگی ترجمه این رمان بشوم (که به خوانندگان رمان کمکی نمی‌کند و صرفاً خوراکی خواهد بود برای کسانی که به کنجکاوی و نظریه‌پردازی درباره کار ترجمه علاقه بیشتری دارند تا مطالعه خود داستان)، فقط باید بگویم در سال ۱۳۸۴ که این رمان را ترجمه می‌کردم زبان صمیمانه و طنزآمیزی در ذهنم شکل گرفت، و اگر خواننده کتاب صمیمیت و طنزی در این ترجمه دید و هنگام مطالعه داستان به دست‌انداز و چاله چوله نیفتاد، آن وقت شاید بتوانم بگویم به هدفم رسیده‌ام. (هرچند که خود ترجمه از سال ۱۳۸۵ تا به حال چاله و چوله‌های مختلفی را پشت‌سر گذاشت تا سرانجام انتشار یافت.)

پیش گفتار نابوکوف

این جانور چموش از همه رمان‌هایم بی‌خیال‌تر است. تبعید، تنگدستی، غم غربت، تأثیری بر نگارش تودرتو و پرشور و جذبه آن نداشته است. طرح اولیه‌اش تابستان ۱۹۲۷ در سواحل ماسه‌ای خلیج پورمرانیا شکل گرفت. رمان را از زمستان همان سال در برلین نوشتم

و تابستان ۱۹۲۸ تکمیل کردم. اوایل اکتبر ۱۹۲۸ در برلین با نام کارول، داماد، والت و به همت چاپخانه مهاجر اسلوو منتشر شد. این دومین رمان روسی من بود. ۲۸ ساله بودم. شش سالی می‌شد که در برلین زندگی می‌کردم. من هم مانند بعضی آدم‌های باشعور دیگر مطمئن بودم ظرف یک دهه همه ما به روسیه مهمان‌نواز و پشیمانی بازخواهیم گشت که

اعضایش آن را مویه‌مو عین اصل توصیف می‌کند - تا حدودی شبیه جادو جنبل‌های شور و خنک قومی و قبیله‌ای که در رمان‌های مدرن حال آدم را بد می‌کند. در مرحله‌ای از پاره‌کردن تدریجی و درونی قید و بندها. زمانی که هنوز روش‌های بسیار خاص بازسازی این یا آن موقعیت تاریخی را پیدا نکرده بودم یا جرئت به کار بردن‌شان را



نابوکوف و یک کتاب

گل به پای مان خواهد ریخت. پاییز همان سال، اولشتاین حقوق چاپ آلمانی این کتاب را از من خرید. کتاب ترجمه شد - به من اطمینان دادند که خوب هم ترجمه شد. مترجمش زیگفرید فون وگراک بود که یادم است در اوایل سال ۱۹۲۹ او را دیدم. باهم‌سرم از پاریس رد می‌شدم تا پیش پرداخت سخاوتمندانه اولشتاین را خرج سفر به پیرنه شرقی و شکار پروانه بکنم. با مترجم در هتل اقامتگاهش دیدار کردیم. سرماخوردگی شدیدی داشت و توی رختخواب افتاده بود. حال و روز خوشی نداشت اما عینک یک چشمی‌اش را زده بود، در حالی که نویسنده‌های معروف آمریکایی همان موقع داشتند توی بارها و این جور جاها حسابی خوش می‌گذرانند، که البته رسم و عادت‌شان بود. می‌شود راحت حدس زد که وقتی یک نویسنده روس مجموعه‌ای از کاراکترهای صرفاً آلمانی را انتخاب می‌کند چه دردسرهای لاعلاجی به جان می‌خورد (من و زنم در دو فصل آخر فقط برای این که سر و گوشه‌ای آب بدهیم سر و کله‌مان پیدا می‌شود). من نه آلمانی حرف می‌زد، نه دوست و رفیق آلمانی داشتم، نه حتی یک رمان به زبان آلمانی خوانده بودم، چه اصل و چه ترجمه. اما در هنر هم، مثل طبیعت، گاهی یک ضعف یا نقص فاحش ممکن است خودش وسیله دفاعی ظریفی از کار دربیاید. آن‌هم انسانی» (چلاوچسکایا ولاژنوست) که رمان اولم یعنی «ماشینک» را آکنده بود (این رمان را هم اسلوو در سال ۱۹۲۶ چاپ کرد و بعداً اولشتاین به آلمانی انتشار داد) هیچ عیب و ایرادی نداشت، ولی من دیگر از آن خوشم نمی‌آمد (حالا به دلایل دیگری از آن خوشم می‌آید). کاراکترهای مهاجر و تبعیدی که توی آن ویرترین جمع کرده بودم آن‌قدر از چشم زمانه شفاف بودند، که آدم می‌توانست خیلی راحت برچسب پشت‌شان را تشخیص بدهد. خوشبختانه نوشته برچسب‌ها خیلی واضح نبود، اما من هیچ دلم نمی‌خواست باز هم بچسبم به تکنیکی که می‌شد منسویش کرد به نوع فرانسوی «مستند انسانی» که در آن با جماعت بسته‌ای طرف هستیم که یکی از

نداشتم، که ده سال طول کشید تا در رمان «هدیه» از آن‌ها استفاده کنم، بله، در آن مرحله، فقدان هرگونه وابستگی عاطفی به محیط‌های ناشناخته و وجود نوعی آزادی شبیه آزادی قصه‌های جن و پری که در ذات محیط‌های ناشناخته است، به رویای من درباره ابداع محض جواب داد. می‌توانستم صحنه «شاه، بی بی، سرباز» را رومانی یا هلند هم بگیرم. آشناییم با نقشه شهر و آب و هوای برلین باعث شد این شهر را انتخاب کنم.

در پایان سال ۱۹۶۶ پسرم ترجمه انگلیسی مویه‌مو و دقیق این کتاب را به پایان برد و من این ترجمه را روی میزم کنار نسخه‌ای از چاپ روسی گذاشتم. حدس می‌زدم که باید بازبینی‌اش بکنم و بازبینی‌ام بر متن رمان چهل ساله تأثیر می‌گذاشت، زیرا نمونه‌های چاپی آن را من نویسنده تصحیح کرده بودم که سن و سالم نصب سن و سال من بازبینی کننده بود. زود به این نتیجه رسیدم که متن اصلی خیلی بیشتر از حد انتظام چین و چروک برداشته. نمی‌خواهم عیش مقابله‌کننده‌های بعدی را منغص کنم و درباره تغییرات کوچکی که اعمال کرده‌ام حرف بزنم. فقط می‌خواهم اشاره کنم که هدف اصلی‌ام از اعمال تغییرات اصلاً بزرگ کردن یک جنازه نبود، برعکس، می‌خواستم کاری کنم این بدنی که هنوز نفس می‌کشید از ظرفیت‌های بالقوه‌ای استفاده کند که قبلاً به علت بی‌تجربگی، شوق و ذوق، شتاب‌زدگی فکری و تنبلی زبانی نتوانسته بود به فعل درآورد. در بافت و ساخت این جانور زبان‌بسته، این نوع امکان‌ها واقعاً جان می‌دادند برای بسط و گسترش یا روشن شدن. البته کارم را بدون چاشنی و مخلفات هم پیش نبردم. «سنگدلی» و «بی‌حیایی» این کتاب، که منتقدان عزیزم را در تشریه‌های مهاجر ناراحت کرده بود، صدا البته سرجای خودش محفوظ مانده، ولی اعتراف می‌کنم کلی خرت و پرت زیادی را خط زدم و دوباره نوشتم، که نمونه‌اش تغییر بسیار مهمی در فصل آخر است: در بحبوحه بعضی صحنه‌های مهم استراحتگاه گراویتس که حواس نویسنده را متوجه خودش کرده بود فرانتس نمی‌بایست مزاحم

و دست و پاگیر باشد، و به همین علت هم نویسنده برای این که عجلتاً از دست فرانتس خلاص بشود، به این حق‌کثیف متوسل شده بود که درایر فرانتس را با یک قوطی سیگار صدفی شکل بفروشد برلین تا آن را پس بدهد به تاجری که به سبب غفلت یا تجاهل نویسنده این قوطی سیگار را جا گذاشته بود (می‌دانم که شیء مشابهی نیز در کتاب سخن بگو، حافظه (چاپ ۱۹۶۶) آمده است، و کاملاً هم بجا آمده است، چون درست شبیه کیک معروف در جست‌وجوی زمان از دست رفته است). نمی‌توانم بگویم و قسم را با زمانی تلف می‌کردم که دیگر کهنه شده بود. بعضی خواننده‌ها خوش‌شان نمی‌آید نویسنده‌ای هم‌زمان با کار روی رمان جدیدی که پنج سال است ذهنش را درگیر کرده باز پول بگیرد و در کمال خونسردی همه آثار قبلی‌اش را یکی‌یکی دوباره زنده کند - لابد به دلایل خرافی با این زنده کردن‌ها مخالفند. اما به نظر من، حتی نویسنده غیر خرافاتی هم خیلی به آثار دوره جوانی‌اش مدیون است و نمی‌تواند از موقعیتی که شاید در تاریخ ادبیات روسیه بی‌نظیر باشد استفاده نکند و کتاب‌هایی را که به یک ضرب در سرزمین غم زده و دوردستش ممنوع شده‌اند از محاق قیم‌مآبان نجات ندهد.

تا این جا از طرح داستانی «شاه، بی بی، سرباز» چیزی نگفتم. این طرح داستانی اساساً ناشناخته است. راستش می‌ترسم آن دو بزرگوار، بالزاک و درایزر، مرا به تقلید محض متهم کنند، ولی قسم می‌خورم آن زمان خرت و پرت‌های مضحک‌شان را نخوانده بودم، و حتی حالا هم دقیقاً نمی‌دانم زیر شاخه‌های سروشان از چه حرف می‌زنند. بالاخره، شوهر شارلوت هامبرت بی‌تقصیر بی‌تقصیر هم نبود.

اگر صحبت جریان‌های جزئی ادبی پیش بیاید، باید اعتراف کنم کمی تعجب کردم که دیدم این همه پاساژ «مونولوگ انتریور» در متن روسی‌ام وجود دارد - بدون این که به یولیسز ربط داشته باشد، چون آن‌موقع اصلاً این کتاب را نمی‌شناختم؛ ولی البته از دوره حساس نوجوانی به بعد با آنکارنین آشنا بودم که یک صحنه کامل از این نوع الحان درونی دارد که صد سال پیش نویر بهار بود اما حالا دیگر زیاد مصرف دارد. از طرف دیگر، شکلک‌های بامزه‌ام از مادام بوواری، که خوانندگان وارد حتماً تشخیص می‌دهند، نشانه حق‌شناسی‌ام در قبال فلوربر است. یادم است که موقع نوشتن یکی از صحنه‌ها به یاد اما افتاده بودم که صبح زود از راه‌های پشتی که نمی‌شد کسی نبیند دولا دولا به طرف اقامتگاه معشوقش می‌رفت، چون اومه هم بشر بود و جایز الخطا.

طبق معمول، دوست دارم بگویم که باز طبق معمول از دارو دسته وینی‌ها دعوتی نشده است (و باز هم طبق معمول بعضی آدم‌های حساس که دوست‌شان دارم کفرشان درمی‌آید). با این حال، اگر فرویدی سمجی به طریقی یواشکی وارد شد، به این جناب آقا یا سرکار خانم باید هشدار بدهم که در این رمان، این‌جا و آن‌جا، تعدادی تلموش خطرناک کار گذاشته شده است.

و اما اسم کتاب. وقتی دو ورق ریز یکجور را می‌اندازم، این سه ورق صورت را که دل هم هستند نگه می‌دارم. دو ورق تازه‌ای که می‌گیرم شاید جریان قمار را برگرداند، چون من همیشه در این بازی دست می‌آورم. محکم، یواش یواش، خیلی فشرده، از پشت دود سیگاری که چشم آدم را می‌سوزاند، یک گوشه به زور بیرون می‌زند. دل دو شقه به قول پوکر بازهای روس. و دیلینگ دیلینگ ناقوس! فقط می‌توانم امیدوار باشم که همبازی‌های خوب قدیمی‌ام با آن فول‌ها و استریت‌ها خیال کنند که من دارم بلوف می‌زنم.

ولادیمیر نابوکوف

۲۸ مارس ۱۹۶۷، مونتر

محمدافشین‌وقایی **پژمان‌فیروزبخش** تا همین چند سال پیش خیالی و آرزویی بیش نبود که کتاب خاطرات محمدعلی فروغی را در دست بگیریم و از وقایع زندگی و فعالیتهای روزانهٔ سیاسی و فرهنگی‌اش به طور جزئی آگاه شویم. تقریباً هیچ‌کس جز خانوادهٔ فروغی نمی‌دانست که او سالیان سال با رویه‌ای منظم و پشتکاری کم‌نظیر هر روز به ثبت رویدادها می‌پرداخته‌است. وقتی در سال ۱۳۸۷ دفترچه‌ای از یاداشتهای روزانهٔ فروغی بیست‌و هفت‌ساله نصیب کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی شد، کسی گمان نمی‌کرد که این، مقدمه‌ای برای بیرون آمدن بخش بزرگی از یاداشتهای شخصی ذکاالملک از کُنج مهجوری شود. ایرج افشار که دل در گرو نشر این قبیل نوشتجات تاریخی داشت، در معرفی این دفترچه نوشت: «پس از فروش کتابخانهٔ فروغی به کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران در دههٔ سی توسط فرزند ارشدش جواد که در وزارت خارجه بود و در دههٔ سی درگذشت، تصور آن نمی‌شد که چنین دفتر گرانبهایی به دست آمدنی باشد. از مرحوم مهندس محسن فروغی هم که خود اهل کتاب بود هیچ‌گاه ذکری از چنین یادگاری نشنیده بودم و از محمود فروغی هم، اینک که این نسخه شصت و دو سال پس از درگذشت فروغی چهره می‌نماید جز نادرهٔ عجیب و اتفاقی روزگار چه تواند بود؟» (یادداشت‌های خصوصی محمدعلی فروغی از روزگار بیست و شش سالگی،»

ایرج افشار، پیام بهارستان، دورهٔ جدید، سال اول، شمارهٔ ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۲۷–۲۶. این یاداشتها بدین مشخصات به چاپ رسیده‌است: یاداشتهای روزانه از محمدعلی فروغی (۲۶ شوال ۱۳۲۱–۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ قمری)، به کوشش ایرج افشار، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱).

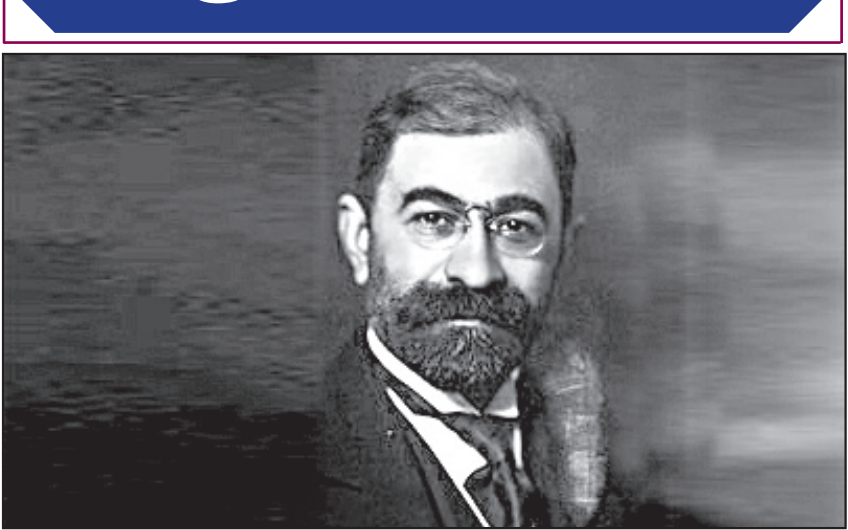
پیدا شدن این دفترچه و اهتمام در طبع آن سبب شد تا افشار در پی یافتن بازماندگان خاندان فروغی برآید. او در بازپسین سال عمر با یاری فرزند خویش، آرش افشار، با جمشید فروغی، نوهٔ محمدعلی فروغی، آشنایی گرفت و بدین واسطه از وجود دفترچه‌های بیشتری از این دست باخبر شد. اولین و تنها دفتری که افشار از مجموعه دفاتر ذکاالملک در دست گرفت و دید رساله‌ای است که فروغی در آن خاطراتش را دربارهٔ سرگذشت خود، پدر و خاندانش نوشته و بسیار هم خواندنی است. پس از درگذشت افشار، تصویر بیست و هفت دفترچه و تقویم دیگری به‌پایمردی آرش افشار و با لطف و بلندهمتی آقایان خسرو و جمشید فروغی، فرزندان گرامی محمود فروغی، در فاصلهٔ فروردین ۱۳۹۱ تا اردیبهشت ۱۳۹۳ به گنجینهٔ پژوهشی ایرج افشار و ما سپرده شد تا پس از سالیان دراز پنج تقویم، با به‌اصطلاح آن زمان «وقت‌نامه» از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۵، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸ و شمسی. همهٔ این تقویم‌ها در قطع جیبی کوچکاند با جلد مقوایی نازک و کاغذ کاهی، در شصت و چهار صفحه، که در باغ مروی

بخش قابل توجهی از نوشتجات فروغی سالها در اختیار حبیب یغمایی بود. یغمایی پس از تأسیس مجلهٔ یغا در سال ۱۳۲۷ به انتشار تعدادی از آنها در مجله‌اش دست زد و در جایی نوشت: «نامه‌های سیاسی و تاریخی مرحوم فروغی را آنچه در دست است به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد: ۱. نامه‌های رسمی به کنگره‌ها و مجامع بین‌المللی و روزنامه‌های جهان و دولتها (به زبان فرانسه و انگلیسی) و اولیای امور ایران ۲. نامه‌های خصوصی به شاه ایران و رجال و بزرگان و جوانبای این نامه‌ها که ما بعضی را در شماره‌های پیش چاپ کرده‌ام و به اقتضای زمان بقیه را نیز انتشار خواهیم داد. ۳. یاداشتهای روزانهٔ مسافرتها و ملاقاتها و مذاکرات خصوصی و محرمانه با بزرگان کشورهای دنیا و بیوگرافی این رجال به طور کامل و بیان عقاید و نظر آنان و راه و رسم جلب ایشان از نظر مصلحت مملکت ایران. و به نظر من این قسمت، از سایر نوشته‌های فروغی حساس‌تر و بی‌پیرایه‌تر است. زیرا صفا برای مطالعهٔشخص خودش نوشته و گاه‌گاه دفتر مرور می‌کرده تا گفته‌ها و شنیده‌ها را فراموش نکند و در هر موقع رشتهٔ مطلب را به مصلحت مملکت به هم پیوندد… انتشار این یاداشتها عجاظهٔ به مصلحت نیست، مگر بعضی از قطعات سادهٔ آن‌ه. او سی سال پس از درگذشت فروغی، همچنان چاپ بسیاری از این نوشته‌ها را روا نمی‌دانست و آنها را در مجلس بزرگداشتنی که در آورمه ۱۳۵۰ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد به فرزندان وی مستردداشت.

قسمت بزرگی از ماترک کاغذی فروغی تا سال ۱۳۵۸ در تملک فرزند دوشم، محسن فروغی بود و از پس مصاحده به حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتقل گردید. تقویم‌ها و دفترچه‌هایی که اساس طبع کتاب حاضر و کتاب یاداشتهای روزانهٔ محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس قرار گرفت، به گفتهٔ جمشید فروغی همگی نزد نموش، محسن فروغی بود و برای مدتی از سرنوششان اطلاعی نبود. در سال ۱۳۷۲ ماری شیدانی، همسر محمود فروغی آنها را در منزل فرشته فروغی، فرزند چهارم ذکاالملک یافته و به آمریکا برد و خود قصد چاپ چرم مشکى و کاغذ شطرنجی که چهل و شش صفحهٔ آن یادداشت‌های روزانهٔ ۲۸ اسفند ۱۳۰۵ تا ۲۷ فروردین ۱۳۰۶ است و هشت صفحهٔ پایانی آن شرح مخارج تیر و نوشته‌شده‌است در پیشگفتار همان کتاب معرفی کردیم. اینک جای آن است که باقی دفاتر را که به‌زودی تماماً در آن یاداشت‌های سفر کنفرانس صلح پاریس در آن نوشته‌شده‌است در پیشگفتار کتاب معرفی کردیم. اینک جای آن است که باقی دفاتر را که به‌زودی تماماً در آن یاداشت‌های روزانهٔ ۱۴ فروردین ۱۳۰۶ تا ۳۰ خرداد تا ۱۴ شهریور ۱۳۰۶، و بیست و دو صفحه‌اش ذکر مخارج سفر اروپا، دفترچه‌ای مشابه دفتر قبل که چهل و هفت صفحهٔ آن یاداشت‌های روزانهٔ ۱۴ مهر ۱۳۰۶ تا ۳۰ فروردین ۱۳۰۷ است. در دیگر صفحات آن مطالب مترق‌های از قبیل اسامی و آدرس اشخاص مختلف، نام بعضی کتب، ترجمهٔ

مطبوعهٔ میرزا علی‌اصغر به طبع رسیده‌اند. یاداشت‌های این پنج تقویم تقریباً منحصر است به عایدات فروغی و وضع مالی سالیانهٔ وی. یاداشت‌های تقویم سال ۱۲۹۷ در آورمه قطع می‌شود و تقویم سال ۱۲۹۸ به‌کلی خالی از هر نوشته‌ای است. سبب این است که فروغی در آذر ۱۲۹۷ می‌توان تقسیم کرد: ۱. نامه‌های رسمی به کنگره‌ها و مجامع بین‌المللی و روزنامه‌های جهان و دولتها (به زبان فرانسه و انگلیسی) و اولیای امور ایران ۲. نامه‌های خصوصی به شاه ایران و رجال و بزرگان و جوانبای این نامه‌ها که ما بعضی را در شماره‌های پیش چاپ کرده‌ام و به اقتضای زمان بقیه را نیز انتشار خواهیم داد. ۳. یاداشتهای روزانهٔ مسافرتها و ملاقاتها و مذاکرات خصوصی و محرمانه با بزرگان کشورهای دنیا و بیوگرافی این رجال به طور کامل و بیان عقاید و نظر آنان و راه و رسم جلب ایشان از نظر مصلحت مملکت ایران. و به نظر من این قسمت، از سایر نوشته‌های فروغی حساس‌تر و بی‌پیرایه‌تر است. زیرا صفا

در خدمت تاریخ



دفترچه‌ای به قطع جیبیی کوچک با جلد چرمی زرشنکی و کاغذ شطرنجی که پنجاه و هفت صفحهٔ آن شرح دخل و خرج فروغی است از آغاز سال ۱۳۰۱ تا پایان سال ۱۳۰۴ و سیزده صفحهٔ دیگرش مطالب مترقه است، عمدتاً شامل اسامی و آدرس دوستان وی در اروپا. دفترچه‌ای به قطع پالتویی با جلد مقوایی با روکش چرم مشکى و کاغذ شطرنجی که چهل و شش صفحهٔ آن یادداشت‌های روزانهٔ ۲۸ اسفند ۱۳۰۵ تا ۲۷ فروردین ۱۳۰۶ است و هشت صفحهٔ پایانی آن شرح مخارج تیر و نوشته‌شده‌است در پیشگفتار همان کتاب معرفی کردیم. اینک جای آن است که باقی دفاتر را که به‌زودی تماماً در آن یاداشت‌های روزانهٔ ۱۴ فروردین ۱۳۰۶ تا ۳۰ خرداد تا ۱۴ شهریور ۱۳۰۶، و بیست و دو صفحه‌اش ذکر مخارج سفر اروپا، دفترچه‌ای مشابه دفتر قبل که چهل و هفت صفحهٔ آن یاداشت‌های روزانهٔ ۱۴ مهر ۱۳۰۶ تا ۳۰ فروردین ۱۳۰۷ است. در دیگر صفحات آن مطالب مترق‌های از قبیل اسامی و آدرس اشخاص مختلف، نام بعضی کتب، ترجمهٔ

تقویم بغلی پارس، ضمیمهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۱، با جلد گالینگور سرمه‌ای در صدو نود و یک صفحه، فروغی وقایع روزانه را تا دی ماه ثبت نموده و باقی روزهای سسال را نانوشته‌ها کرده‌است. همانند تقویم سال ۱۳۰۹، بعضی از یاداشت‌ها وعده‌ها و قرارهای ملاقاتی است که پیشاپیش نوشته شده تا فراموش نکرد.

تقویم بغلی پارس، ضمیمهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۳، با جلد گالینگور سبزرنگ در صدونودویک صفحه‌که وقایع روزانه و قرارهای ملاقات ذیل هر روز نوشته شده‌است.

تقویم بغلی پارس، ضمیمهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۴، با جلد گالینگور مشکی در صدوهشتادوهفت صفحه‌که وقایع هر روز به اجمال ذیل همان روز نوشته شده‌است. فروغی پس از استعفاى ناگزیر از ریاست وزرا در آذر این سال، وقایع را گاه به گاه و بسیار کوتاه ثبت کرده‌است.

تقویم بغلی پارس، سال ۱۳۱۷، با جلد گالینگور سرمه‌ای در صدونودویک صفحه که ذکر وقایع هر روز ذیل همان روز آورده شده‌است. بر اوراق آغازین این تقویم ششماره‌های تلفن بعضی ادارات و اشخاص نوشته شده‌است.

تقویم بانک ملی ایران، سال ۱۳۱۸، در قطع جیبی کوچک با جلد گالینگور قرمزرنگ که در هر صفحه چهار روز آورده شده و فروغی وقایع هر روز را در جای خود نوشته‌است. او بر اوراق پایانی این تقویم مدلول قراردادهای بعضی از کتاب‌های خویش و عایدات و مالیات و عوارض این سال را نگاشته‌است.

تقویم ۱۳۱۹ خورشیدی، چاپخانهٔ بانک ملی ایران، در قطع جیبی کوچک با جلد چرمی مشکى که وقایع هر روز در جای خود نوشته شده‌است. بر اوراق آغازی و پایانی این تقویم فروغی شمارهٔ تلفن بعضی ادارات و اشخاص، معادل فارسی بعضی کلمات و عبارات انگلیسی، و موعد و مبلغ اقساط قراردادهای کتب خود را نوشته‌است.

سالنامهٔ ۱۳۲۰ خورشیدی، چاپخانهٔ بانک ملی ایران، در قطع جیبی کوچک با جلد چرمی آبی‌رنگ که وقایع هر روز ذیل همان روز نوشته شده‌است. بر اوراق آغازین این تقویم هم شمارهٔ تلفن بعضی ادارات و اشخاص نوشته شده‌است. سه تقویم اخیر صفحه شمار ندارند.

آخرین این دفاتسر که در حقیقت خاطرات ناتمام فروغی است، دفتری است به ماههٔ آغازین سال ۱۹۳۰ (۱۴ دی ۱۳۰۸–۸ فروردین ۱۳۰۹) که قطع جیبی کوچک که جلد آن جدا شده‌است. بر اوراق اول و آخر این تقویم یاداشت‌های پراکندهٔ تاریخی، وضع مالیهٔ فروغی در آخر سال ۱۳۰۸ و مخارج سفرهای وی در همین ایام نوشته شده‌است. سالنامهٔ رسمی مملکتی پارس، تقویم بغلی ضمیمهٔ سالنامهٔ ۱۳۰۹، با جلد چرمی قهوه‌ای در صد و نود و یک صفحه‌که در هر صفحه دو روز آورده شده و فروغی وقایع هر روز را مختصراً ذیل همان روز نوشته‌است. بعضی یاداشت‌ها جنبهٔ یادآوری قرارهای ملاقات دارد.

نوجوانی فراتر نرفته و در صفحهٔ شصت و سوم دفترچه متوقف مانده‌است.

به قرینهٔ اینکه فروغی جایی در این رساله گفت است خاطرات خود را از کمال‌الملک جای دیگری جداگانه به تفصیل نگاشته، و از آنجا که این همان شرحی است که یاداشت‌ها وعده‌ها و قرارهای ملاقاتی است که پیشاپیش نوشته شده تا فراموش نکرد.

تقویم بغلی پارس، ضمیمهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۳، با جلد گالینگور سبزرنگ در صدونودویک صفحه‌که وقایع روزانه و قرارهای ملاقات ذیل هر روز نوشته شده‌است.

تقویم بغلی پارس، ضمیمهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۴، با جلد گالینگور مشکی در صدوهشتادوهفت صفحه‌که وقایع هر روز به اجمال ذیل همان روز نوشته شده‌است. فروغی پس از استعفاى ناگزیر از ریاست وزرا در آذر این سال، وقایع را گاه به گاه و بسیار کوتاه ثبت کرده‌است.

تقویم بغلی پارس، سال ۱۳۱۷، با جلد گالینگور سرمه‌ای در صدونودویک صفحه که ذکر وقایع هر روز ذیل همان روز آورده شده‌است. بر اوراق بدرفهٔ این تقویم ششماره‌های تلفن بعضی ادارات و اشخاص نوشته شده‌است.

تقویم بانک ملی ایران، سال ۱۳۱۸، در قطع جیبی کوچک با جلد گالینگور قرمزرنگ که در هر صفحه چهار روز آورده شده و فروغی وقایع هر روز را در جای خود نوشته‌است. او بر اوراق پایانی این تقویم مدلول قراردادهای بعضی از کتاب‌های خویش و عایدات و مالیات و عوارض این سال را نگاشته‌است.

تقویم ۱۳۱۹ خورشیدی، چاپخانهٔ بانک ملی ایران، در قطع جیبی کوچک با جلد چرمی مشکى که وقایع هر روز در جای خود نوشته شده‌است. بر اوراق آغازی و پایانی این تقویم فروغی شمارهٔ تلفن بعضی ادارات و اشخاص، معادل فارسی بعضی کلمات و عبارات انگلیسی، و موعد و مبلغ اقساط قراردادهای کتب خود را نوشته‌است.

سالنامهٔ ۱۳۲۰ خورشیدی، چاپخانهٔ بانک ملی ایران، در قطع جیبی کوچک با جلد چرمی آبی‌رنگ که وقایع هر روز ذیل همان روز نوشته شده‌است. بر اوراق آغازین این تقویم هم شمارهٔ تلفن بعضی ادارات و اشخاص نوشته شده‌است. سه تقویم اخیر صفحه شمار ندارند.

آخرین این دفاتسر که در حقیقت خاطرات ناتمام فروغی است، دفتری است به قطع وزیری با جلد مقوایی ضخیم و کاغذ خط دار معمولی. این خاطرات را فروغی با تنی بیان شمه‌ای از احوال اجداد خویش، مخصوصاً آقا محمد مهدی ارباب اصفهانسی ، آغاز کرده و دنبالهٔ مطلب را به سرگذشت پدرش کشسانیده‌است. او حین بازگو کردن سرگذشت پدر، جابه جا به شرح احوال رجال سرشناسی که خود ایشان را می‌شناخته و دیده بوده، گریز زده و به ویژه در شناساندن اوضاع اجتماعی زمان ناصرالدین‌شاه کوشیده‌است. سپس به احوال شخصی خود رسیده و وقایع مهم و عبرت‌آموز ایام نوجوانی‌اش را تا زمان تأسیس روزنامهٔ تربیت برشمرده‌است. افسوس که این خاطرات از روزگار

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۶ – سال‌نودودوم – شمارهٔ۲۶۹۲۴

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن‌ایران وجهان ۳۴۲ **اخباریات**

لوح/کریم فیضی

در کوچه باغ اندیشه- ۶۸

اگر مرگ نباشد...



در فرهنگ‌های ناکام، «شعر» و «شعار» باهم مسابقه

می دهند و رقابت می کنند. در این فرهنگ‌ها، قوی‌ها را با شعار و ضعیف‌ها را با شعر می توان شناخت.

ما در کمتر نزاعی پیروزی به دست آورده ایم اما

هر بار به گونه ای با شکست کنار آمده ایم و گفته می شود: آن را به پیروزی مبدل کرده ایم.

در روزگار ما شرایط فکر و دین و عرفان به

گونه ای است که اگر کسی اجتهاد نداشته باشد، در دست راهزنان طرار دین اسیر و گرفتار می‌ماند.

جامعه‌ای که مناسباتش با پول تنظیم شده باشد،

در اصل دروازه ای اسست که رو به جهنم باز شده است. آیا فاصله بین جهنم و جامعه، با چیزی جز پول قابل پر شدن است؟

دین پارچه ای است زریفت. نمی‌توان سفت

گرفت و سخت کشید. این پارچه اگر پاره شود و آسیب ببیند، جانشین و جایگزین ندارد.

در دین سخت گرفتن هنر نیست. هنر این

است که رخصت دهم مردمان خود دیندار باشند و در دینشان سخت بگیرند، بدون خوست ما و ارباب ادیان.

خبر از آن منتظر است. کسی که منتظر خبر

نشاند، خبری دریافت نخواهد کرد.

آنچه قلم در دست ما و سخن در زبان ما می‌گذارد، جامعه است. شما نمی‌گویید مگر از جامعه

و در جامعه تان. در حقیقت، فرد راوی جامعه است.

آنکه به بالشت خدا تکیه کند، از امن ترین کاخ‌های عالم و محکم ترین قلعه‌های عالم بی‌نیاز خواهد بود.

قدرت مسیر خودش را طی می‌کند. از هرکجا که شروع شود، در نهایت به یک نقطه ختم می‌شود. شکست اینکه صاحب قدرت هرکس که باشد، در نهایت همانگونه عمل می‌کند که روزگاری خودش به خاطر آن اعلام جنگ نموده و نبرد آغاز کرده بود.

چیزی شامل تر از رحمت حق نیست. جهان نمودی از رحمت حق اسست که از رحمت او سر برآورده و در رحمت او فرو رفته است. انسان، هرگز از سعه و شمول رحمت حق خارج نمی‌شود.

اینکه به اسم «معنویت» باران فتنه بر سر مردم نازل ششود، قطعاً از طرف شیطان است. شیطان را سربارانی است که جز خدا کسی آنها را نمی‌شناسد!

علم نجوم و شاخه و متفرعات آن، در سخن

حافظ شیرازی دارای عرضی عریض است. نمونه‌های

زیادی را می توان ذکر کرد، از جمله این بیت :

بنده طالع خویشم که در این قحط وفا

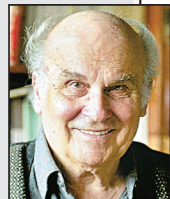
عشق آن‌لولی سرمست، خربدرمان است

و سپس همان تفکر را به واقعیت مبدل می‌کند.



روایت

ترجمه بهرنگ رجبی



اشاره: نویسنده این متن بیش از بیست انقلاب را از نزدیک دیده و گزارش کرده است. شاید به همین دلیل نتوان با دیدگاه‌های او درباره ایران همراهی کرد. با این حال به لحاظ تاریخی این گزارش شنیدنی است و در عین حال قابل نقد. هر چند که به نظر می‌رسد سخن صرفاً از ایران نیست.

... چند سال بعد دوباره بلوایی به پا می‌شود، مردی - که حالا دیگر می‌شناسیمش - می‌رود و و جایش را به آدمی تازه خواهد داد و این بار اورکومال کورمال دنبال یک برگ کاغذ و یک مداد خواهد گشت. همین زن یا زنی دیگر خودش را سنگ خواهد کرد و منتظر خواهد شد. کسی خودکارش را قرض خواهد داد. مقامی بالاتر گرفتار بحث خواهد بود، همه‌شان، مثل اسلافشان، شروع خواهند کرد به حرکت در چرخه طلسم شده‌ی عجز. چه کسی این چرخه را ساخت؟ در ایران، شاه.

او فکر می‌کرد شهرنشینی و صنعتی‌سازی کلیدهای تجدیدن، اما این فکر اشتباهی است. کلید تجدد، روستاست. شاه از رؤیای نیروگاه اتمی، خط تولید کامپیوتری و مجتمع‌های عظیم پتروشیمی سرمست می‌شد. اما در کشوری توسعه نیافته، این‌ها صرفاً سراب تجدیدن. در چنین کشوری، بیش‌تر مردم در روستاهای مغفولگی زندگی می‌کنند که از شورش به شهر می‌گریزند. این روستاییان نیروی کار جوان و پرتوانی‌اند که کم می‌دانند (اغلبشان بی‌سوادند)، اما حساسی محتاجند و حاضرند برای هر چیزی بجنگند. آن‌ها در شهر سنگر گاهی می‌یابند که بالاخره از این یا آن مسیر به قدرت حاکم وصل می‌شود. این است که اول راه و چاه را یاد می‌گیرند، کم و بیش مستقر می‌شوند، منصب‌های رده‌پایین را مال خود می‌کنند و بعد برای حمله خیز بر می‌دارند. حین نبرد، از هر مرام و مسلکی که با خودشان از روستا آورده‌اند استفاده می‌کنند، که معمولاً هم معلوم است.

از آن‌جا که آدم‌هایی‌اند با عزمی راسخ برای پیشروی، اغلب هم موفق می‌شوند. سپس قدرت به چنگشان می‌افتد. اما با آن چه می‌کنند؟ شروع می‌کنند به بحث و وارد چرخه طلسم‌شده‌ی عجز می‌شوند. ملت هر طور شده زنده می‌ماند - قاعده‌اش همین است - و در این مدت اوضاع زندگی این به قدرت رسیدگان بهتر و بهتر می‌شود تا مدتی راضی و خوشحالند. جانشینانشان آن موقع دارند در دشت‌های پهناور می‌چرخند، شتر می‌چرانند و مراقب گوسفندهایند. اما آن‌ها هم بزرگ خواهند شد، به شهر خواهند آمد و مبارزه‌شان را شروع خواهند کرد.

قاعده حاکم بر همه این اتفاقات چیست؟ این که تمام نو رسیده‌ها بیش‌تر جاه‌طلبند تا کارآمد. در نتیجه، با هر شورش و بلوایی، کشورها دوباره بر می‌گردند به نقطه‌ی آغاز، چون نسل جدید پیروزمند تازه باید همه چیز را یاد بگیرد، چیزهایی را که نسل شکست خورده رنج بسیار برد تا یادشان گرفت. و این یعنی شکست خورده‌ها لایق و عاقل بودند؟ مطلقاً، نسل قبلی هم از همان ریشه‌هایی بالیده بود که جانشینانش بالیده‌اند. این چرخه طلسم شده‌ی عجز را چگونه می‌توان از هم گسست؟ فقط با توسعه و پیشرفت روستاها. تا وقتی روستاها عقب مانده باشند، مملکت عقب مانده خواهد بود، حتی اگر پنج‌هزار کارخانه داشته باشد. تا وقتی پسری، چند سال بعد آمدن به شهر، به روستای زادگاهش بر می‌گردد و آن را دیاری غریب می‌یابد، ملتی که آن پسر بدان تعلق دارد، هیچ‌گاه پیشرفت نخواهد کرد.

هفته‌ای چند ساعت موفق می‌شوند به نظمی باورنکردنی دست یابند. این اتفاق موقع مناسک می‌افتد. صبح جمعه، عده‌ای بسیار متقی اول پیاده می‌آید به میدان وسیع، بعد جانمازش را پهن می‌کند و دوزانو بر حاشیه‌ی آن می‌نشینند. بعد نوبت نفر بعدی می‌رسد و او هم جانمازش را دقیقاً کنار اولی پهن می‌کند، گرچه باقی میدان خالی است. بعد مؤننان بعدی و بعدی از راه می‌رسند. مدتی می‌گذرد و شمارشان از هزار بیش‌تر می‌شود و بعد هم از میلیون، جانماز پهن می‌کنند و دوزانو می‌نشینند. در سکوت، در صفوف مرتب و منظم دوزانو می‌نشینند، رو به قبله، حدود ظهر، مراسم را شروع می‌کنند. همه می‌ایستند، هفت‌بار خم می‌شوند، کمر راست می‌کنند، دوزانو می‌نشینند، خود را به خاک می‌اندازند و سجده می‌کنند، دوزانو می‌نشینند و باز خودشان را به خاک می‌اندازند.

همه‌انگهی عالی و بی‌نقص یک میلیون پیکر منظره‌ای است و صف‌ناپذیر و ... برای امثال من ترسناک. نماز که تمام می‌شود، صفوف منظم یکباره درهم می‌شکنند، همه شروع می‌کنند به حرف زدن و بحث کردن و گفتگو و ... در انقلاب‌ها خیلی زود در اردوگاه انقلاب اختلاف می‌افتد. قبلاً همه مخالف دیکتاتور بودند و می‌خواستند بیرونش کنند، اما هرکس آینده را جور متفاوتی تصور کرده بود. بعضی‌شان فکر می‌کردند در کشورشان یک نظام دموکراتیک حاکم خواهد شد. شبیه به آنچه از فرانسه و سوئیس می‌شناختند. اما دقیقاً همین آدم‌ها اولین بازندگان نبردی بودند که به محض رفتن

نگارشی و شاهان کاپوشینسکی از انقلاب‌های خاورمیانه ۸/

ایرانی، شعر، مینیاتورها



دیکتاتور آغاز شد. این‌ها آدم‌هایی بودند باهوش و حتی با شعور، اما ضعیف. بلافاصله هم خودشان را در وضع متناقضی یافتند. دموکراسی را نمی‌شود به زور تحمیل کرد، بلکه اکثریت باید تأییدش کنند.

در مورد ایران، اکثریت چیزی را می‌خواست که آیت‌الله خمینی می‌خواست: جمهوری اسلامی. لیبرال‌ها که کنار رفتند، مدافعان جمهوری اسلامی باقی ماندند. اما آن‌ها هم افتادن به جنگیدن با خودشان، در این نبرد به تدریج محافظه کارها دست بالا را گرفتند و بر روشنفکران و آدم‌های معطوف برتری یافتند. من از هر دو اردوگاه کسانی را می‌شناختم و هر وقت به آدم‌هایی فکر می‌کردم که با آن‌ها همدلی داشتم، بدبینی تمام وجودم را فرا می‌گرفت. از قرار معلوم روشنفکران را بنی‌صدر رهبری می‌کرد. او فردی لاغر بود و کمی فوزدار. همیشه هم لباس یقه‌دار می‌پوشید. می‌آمد، تشویق می‌کرد و پیوسته وارد بحث می‌شد مثلاً فکر داشت، زیاد حرف می‌زد (خیلی زیاد)، بی‌وقفه درباره راه‌حل‌های تازه رویابافی می‌کرد و به نثری دشوار و نامفهوم کتاب می‌نوشت.

در این کشورها، روشنفکر عرصه سیاست هیچ‌وقت سر جای خودش نیست. روشنفکر زیادی تخیل می‌کند، مستعد شک کردن است و آماده این که همزمان به همه سو حرکت کند. رهبری که خودش هم نمی‌داند باید پای چه بایستد به چه دردی می‌خورد؟

آیت‌الله دکتر بهشتی هرگز چنین رفتاری نمی‌کرد. آدم‌هایش را فرا می‌خواند و بهشان دستور می‌داد. آن‌ها هم همگی سپاسگزارش بودند، چون دیگر می‌دانستند باید چگونه رفتاری داشته باشند و چه کار باید بکنند. دکتر بهشتی در آن مقطع

زامان رهبری شیعیان را به دست گرفته بود و بنی‌صدر دوستان و طرفداران خودش را داشت. پایگاه قدرت بنی‌صدر طیف روشنفکران و دانشجویان و مجاهدین بود. قدرت دکتر بهشتی ریشه در جمعیتی داشت که همه گوش به زنگ ندای روحانیون بودند. روشن بود. بنی‌صدر بی‌شک بازی را خواهد باخت.

اما ما... افسردگی در جان دوستانم نشسته بود، چون. آن‌ها فاجعه‌ای قریب‌الوقوع را پیش‌بینی می‌کردند. آن‌ها، یعنی روشنفکران، مثل همیشه با آغاز روزهای سخت داشتند نیرو و ایمانشان را از دست می‌دادند. غرق ترس و سرخوردگی بودند. آن‌ها، که زمانی محال بود راهپیمایی‌ای را از دست بدهند، حالا دیگر کم‌کم از جمعیت می‌ترسیدند. وقتی با آن‌ها حرف می‌زد، به شاه فکر می‌کردم. شاه داشت دور دنیا می‌گشت، عکسش هرازگاه توی روزنامه‌ها چاپ می‌شد و چهره‌اش هربار خسته‌تر و وارفته‌تر بود.

شاه تا لحظه آخر فکر می‌کرد بر می‌گردد به کشورش. البته هیچ‌وقت برنگشت، اما آثار بیش‌تر کارهایش باقی بود. ممکن است مستبدی برود، اما استبداد با رفتن مستبد یکسره محو می‌شود؟ حیات دیکتاتوری به جهل عوام متکی است و از همین روست که همه دیکتاتورها سخت می‌کوشند تا این جهل را افزون کنند. باید نسل‌ها بگذرد تا اوضاع عوض شود و نوری به درون راه یابد.

به هر حال، تا پیش از چنین دورانی، آن‌ها که دیکتاتوری را به زیر می‌کشند اغلب جوری رفتار می‌کنند که انگار میراث‌دار آند و به نگرش‌ها و الگوهای فکری دورانی تداوم می‌بخشند که خودشان نابودش کرده‌اند. این اتفاق چنان ناخواسته و ناخودآگاه می‌افتد که اگر کسی قضیه را به آن‌ها گوشزد کند، با چهره‌ای حق به جانب از کوره در می‌روند. اما آیا می‌توان همه این‌ها را گردن دیکتاتورها انداخت؟ یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا این است که از چنین چارچوب‌هایی گذر کنی تا گذشته را تغییر دهی.

هر وقت می‌خواهم حالم خوش شود، راهی خیابان فردوسی می‌شوم. آقای فردوسی آن جافرش‌های ایرانی می‌فروشد. او که تمام عمرش را در جوار هنر و زیبایی گذرانده، به واقعیات پیرامونش جوری نگاه می‌کند که انگار فیلمی است درجه دو در سینمایی ارزان‌قیمت و کثیف! می‌گوید اصل قضیه ذوق و سلیقه است: مهم‌ترین چیز داشتن ذوق و سلیقه است، آقا. اگر آدم‌های بیش‌تری به قدر سر سوزن ذوق و سلیقه می‌یافتند، دنیا خیلی متفاوت از این که هست می‌شد.

او در باب همه اتفاقات (خودش بهشان می‌گوید اتفاقات عجیب) مانند مثل دروغ، خیانت، دزدی و خبرچینی، یک مخرج مشترک را جدا می‌کند: این کارها را کسانی می‌کنند که ذوق و سلیقه ندارند. معتقد است این ملت مشکلات را برطرف خواهد کرد و زیبایی از بین نرفتنی است. همچنان که دارد فرش دیگری را باز می‌کند (می‌داند قصد خرید ندارم، اما دوست دارد از دیدنش لذت ببرم)، بهم می‌گوید: یادم باشد چیزی که باعث شده ما ایرانی‌ها بیش از دو و نیم هزاره دوام بیاوریم، چیزی که سبب شده به‌رغم تمام جنگ‌ها، هجوم‌ها و اشغال‌ها خودمان را حفظ کنیم، نه نیروی مادی که نیروی معنوی ماست؛ شعرمان، نه فناوری‌مان؛ دینمان، نه کارخانه‌هایمان.

می‌گوید: ما به دنیا چه داده‌ایم؟ شعر، مینیاتور و فرش. می‌دانی که به چشم آدم‌های مصرف‌محور، همه این‌ها چیزهای بی‌فایده‌ای هستند. اما به واسطه همین‌هاست که ما حرف دلمان را زده‌ایم. ما این بی‌فایده‌گی شگفت‌انگیز و بی‌همتا را به دنیا داده‌ایم. آنچه ما به دنیا داده‌ایم اصلاً زندگی را ساده‌تر نکرده، بلکه صرفاً آن را آراسته است، البته اگر چنین تفکیکی اساساً معنایی داشته باشد. مثلاً برای ما فرش یک ضرورت حیات است. توی کویری بی‌آب و علف و تفتیده فرش پهن می‌کنی، رویش دراز می‌کشی و حس می‌کنی میان چمنزاری سرسبز دراز کشیده‌ای. بله، فرش‌هایمان ما را به یاد چمنزاران پرگل می‌اندازد. پیش رویت گل‌ها را می‌بینی، باغ را، برکه را، چشمه را، طاووس‌ها لای بوته‌های خرامند.

فرش چیزی است که پایدار می‌ماند؛ یک فرش خوب رنگش را تا قرن‌ها حفظ می‌کند. بدین ترتیب، در بیابانی برهوت و پرمالال زندگی می‌کنی، اما به نظرت می‌آید داری در باغی ابدی روزگار می‌گذرانی که رنگ و طراوتش هرگز کاستی نمی‌گیرد. بعد می‌توانی عطر باغ را تصور کنی، صدای شرشر رود و نغمه پرندگان را بشنوی. و بعد احساس کمال می‌کنی، احساس رفعت. دیگر در حوالی بهشتی، دیگر شاعری.



محمد جواد سالمی پاریزی

بعد از ظهرهای پنجشنبه که اهالی شهر برای قرائت فاتحه به زیارت اهل قبور خود مراجعه می کردند و معمولاً جمعیت زیادی نیز بر سر قبرها حضور می یافتند درویشی بود که بساط خود را پهن می کرد. درویش پرده ای بزرگ داشت که در پشت سقاخانه آن را آویزان می کرد. در پرده درویش نقال جدا از تصاویر مختلفی که جنبه مذهبی و اعتقادی داشت تصویر دو نماد که یافت نشدنی روزگاران و حسرت و آرزوی آدمیان می باشد چشمگیرتر بود و بیشتر توجه را جلب می کرد.

نماد اول تمثال و شمایلمرد نامتناهی و یافت نشدنی قرون و اعصار، امام اول شیعیان علی مرتضی، حیدر کرار که شمشیر دو لبه معروف به ذوالفقار را روی زمین در جلوی امام نقاشی شده بود که نمودار سنجش و میزان در قنوت، جوانمردی، پارسایی، مروت و مرد عالم باطن، در روزگاران می باشد.

نماد دوم تصویری از رستم، پل سیستان که بر بالین فرزند خود در حال نزار نشسته بود و شاخص آدمی، در قدرت و توانایی جسمانی خاص در عالم ظاهر که در اندیشه حکیم ابوالقاسم فردوسی پرورش یافته بود و پیروز نبردهای سخت می باشد. که تاکنون پهلوانی مشابه او ظاهر نگشته.

درویش با طلب صلواتی از جمعیت حاضر سخنان خود را آغاز می کرد و سپس با نیمچه آوازی با نام شاه ولایت مرد قنوت و جوانمردی با گفتن جمله «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» و ادامه می داد:

شاهد کل الجمال ایزد یکتا علی است
پرتوان اشراق پیدای ناپیدا علی است
آدم نوح و خلیل و یونس و هود و مسیح
صالح و شیت و شعیب و موسی علی است
و ادامه صحبت هایش از پهلوانی و دلاوری مولا در جنگ خندق و روبرو شدن با پهلوان نامی عرب عمر بن عبدود که کره شتری را برای دفاع از خود به مانند سپری به دست می گرفت و اینکه مولا علی هیچ هراسی به خود راه نداد علیرغم اینکه جوان بود نبرد جانانه ای با وی کرد و آنگاه که تصمیم داشت سراز بدن عمر بن عبدود جدا کند وی آب دهن به صورت مولا پاشید و امام از روی سینه او بلند شد و چند قدمی دور میدان زد و آنگاه که خشم خود را مهار کرده بود نه برای خویش، بلکه برای خداوند و به قصد قربت، کار خود را به اتمام رسانید.

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان مطهر از دغل
او خدو انداخت در روی علی
افتخار هر علی و هر ولی
گفت من تیغ از پی حق می زنم
بنده حقم نه مأمور تنم
شیر حقم، نیستم شیر هوا
فعل من بر دین من باشد گواه
درویش از شب های علی، از تنهایی علی و مظلومیتش از نحوه شهادتش و تکلیف مولا بر فرزندان در خصوص نگهداری و رفتار مناسب و نحوه مجازات قاتل خود و از عدالتش گفتگو می کرد و هر گاهی یک بیت شعر نیز می بینم گفته هایش زمزمه می کرد.

تا صورت پیوند جهان بود، علی بود
تا نقش زمین بود، زمان بود، علی بود
آن فاتح گشای که در قلعه خیبر برکند
به یک حمله و بگشود علی بود

شاهی که ولی بود وصی بود علی بود

سلطان سخا و کرم و جود، علی بود
گفته های درویش و خواندن اشعارش، یک نیم ساعتی، کمتر و بیشتر طول می کشید. در هر بار که درویش بساط خود را پهن می کرد از یکی دلاوری های مولا در جنگ های مختلف. از پرچمداری سپاه اسلام، از فتح خیبر، از حنین، از گذشت و ایثار امام ذکر مطلب می کرد و در چاشنی

صادق نیکو خصال خود که در حسرت دیدار پدر بود عنوان می کند که سنت ما اینگونه نیست که به یک بار شکست، رقیب را بکشیم و این چنین کشتی هایی باید در روز دیگر تکرار شود. سهراب جوان و جوانمرد می پذیرد و در دیگر روز رستم به درگاه خداوند باری تعالی تقاضای زور از دست رفته خود را می نماید و پس از بازگشت و اعاده آن، در این مرحله پس از گلاویز شدن رستم با سهراب،

پایانی ناپیدا علی (۱)



مطالبش عنوان می کرد:

ای شاه شاهان جهان «الله» مولانا علی
ای نور چشم عاشقان «الله» مولانا علی
حمد است گفتن نام تو، ای نور فرخ نام تو
خورشید و ماه و هندوئی تو «الله» مولانا علی
درویش با طلب صلواتی از جمعیت که حالا دیگر قابل توجه شده بودند می کرد و پایان پرده اول نمایش خود را اعلام و از شاگردش می خواست گشتی دور میدان بزند و می گفت هر که هر چقدر کرم دارد بپردازد.

پرده دوم، درویش نقالی از شاهنامه حکیم خردمند فردوسی طوسی با اشاره به تصویر رستم دستان، پهلوان شاهنامه شروع می شد.
جوانمردی و راستی پیشه کن
همه نیکویی از اندیشه کن
درویش ادامه می داد:

کنون رزم سهراب و رستم شنو
دگرها شنیدستی این همه شنو
یکی داستان است پر آب چشم
دل نازک از رستم آید به خشم
درویش به استاد شاهنامه می گفت که از قدیم کشتی گرفتن سنت ایرانیان و مختص به آنان بوده و همان گونه که در نبرد بین رستم و فرزندش سهراب کشتی گرفته اند.

به کشتی گرفتن نهادند سر
گرفتند هر دو دوال کمر
درویش آنچنان با هیجان و در پاره ای از اوقات غم زده صحبت می کرد که انگار تجسم واقعی نبرد در برابر چشمان او اتفاق افتاده و هم اکنون نیز در حال جریان است. درویش می گفت ناتوانی رستم قدر قدرت روزگار، اما مسن، در برابر سهراب توانمند جوان، به ناکه در این آزمون سخت از فرزند خود سهراب که از پشت خود او بود به پشت خوابانیده می شود، رستم درست کردار خالی از فریب و نیرنگ غالب بر دیو سفید و اکوان دیو و پیروز از میدان هفت خوان که در اندیشه اش شکست تورانیان و پیروزی ایرانیان بود به ناکه برای فرار از مرگ متوسل به حیل می شود و به جوان

«چسبنده» حریف اگر ستادی
«تنگ شکرش» به پشت دادی
کشتی گیر خصم «پابر جای»
«مقراضک» گسستیش پای کش
کردی به کمر اگر «کشا کش»
یک «توشاخی» بهر دو شاخش
بنواختی و نگون نمود پیش
وانگاه بسی فنون نمودیش
«خاک» از می شد حریف، زیرش
می افشردی به «تنگ شیرش»
پس طاق «معلقش» نمودی
چون طاق، «معلقش» نمودی
از سیصد و شصت فن کشتی
ورزیده و کارشته، گشتی
(برگرفته از صفحات ۶۴ و ۶۵ کتاب مشتاق به نویسندگی سید محمد گلاب زاده)

بساط درویش معمولاً هر دو سه هفته ای یکبار تکرار می شد و از این طریق امرار معاش می کرد. چند سالی بعد که به منظور ادامه تحصیل ترک یار و دیار خود کردم و محروم از قصه های شبانه پیرمردی که ادامه صحبت های درویش تکمیل آن را می نمود، شدم، باز هم آن علاقه به ورزش و ورزشکاران و قهرمانان و پهلوانان کم نشد، بلکه به مناسبتی زیادتر هم شد. چون بودند در بین همکلاسی هایم افرادی که گرچه خیلی از آنها امروز سینه به سینه خاک گذاشته اند و نیستند ولی یکی دو نفر از آنان خوشبختانه هنوز در قید حیات هستند که امروز صاحب نام می باشند.

رفقای که از زمین های خاکی جنوب شهر تهران بلند شدند و سپس جزء نام آوران فوتبال گردیدند، دوستانی که در تیم ملی بسکتبال آن روزگار درخشیدند. به یاد دارم روزهایی که با دوستان همکلاسی به جای درس و مشق می رفتیم باشگاه شوق برای تماشای کشتی گیران نامدار آن روزگار یاد همان مادر بی سواد دوست ایام کودکیمان بخیر که می گفت: «بروید فکر نان کنید که خربزه آب است».

ورزش کردن در آن روزگار با پول توجیبی کم، خیلی سخت بود و پس از چند صبحی اگر هم کسی از روی عشق و علاقه قهرمان نامداری میشد پس از اتمام نامداریش مجبور بود به منظور تأمین معیشت روزانه حتی مشاغلی چون مسافرکشی روزگار را بگذراند. همه این پیش درآمد ها مقدمه ای است بر این خاطره تلخ که از مسابقات المپیک مونیخ باقی مانده بود که تکرار مسابقات جهانی امسال فرانسه تلخی مسابقات کشتی المپیک را به یادم آورد. مسابقات تابستانی المپیک مونیخ که در سپتامبر ۱۹۷۲ برابر با شهریور ماه ۱۳۵۱ برگزار شد دو اتفاق در این مسابقات افتاد. اولین حمله گروه چریکی فلسطینی سپتامبر سیاه به ورزشکاران رژیم اشغال گر قدس (اسرائیل) که در آن حمله تعدادی از ورزشکاران اسرائیلی (غاصبین فلسطین) در همان لحظات اول کشته شدند، تعدادی نیز در مرحله بعدی در حین نقل و انتقال آنان به داخل فرودگاه از بین رفتند.

اتفاق دوم که مدنظر و اساس خاطرات تلخ است، شکست قهرمانان کشتی ایران در آن المپیک بود. در رابطه با موضوع حمله چریک های فلسطینی به مقر ورزشکاران رژیم اشغالگر قدس روزنامه اطلاعات به شماره ۲۵۳۹۸ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۵ در ستون چهل سال پیش اینگونه نوشته است:

«بیروت: دولت سوریه آلمان غربی را مسئول ماجرای دهکده المپیک دانست و از فلسطینی ها که به اقامتگاه ورزشکاران اسرائیلی در دهکده المپیک حمله کردند به عنوان شهدای فلسطین تجلیل کرد. رادیو دمشق در بخش گفتارهای بامدادی امروز خود ضمن ابراز اولین واکنش رسمی دنیای عرب در برابر ماجرای ورزشکاران ربوده شده مقتول اسرائیلی گفت، قتل ۹ (نه) گروگان اسرائیلی و شهادت چهار عرب فلسطینی در حقیقت گناهی است که مسئولیت آن متوجه مقامات آلمان غربی است...»

ادامه دارد

